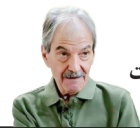




ساز ناگوک تفرقه
هشدار آیت الله اعرافی



عکاس مؤلف
یحیی دهقان پور درگذشت



گاه ضعیف و گاه متوسط
روایت فراستخواه از جامعه‌شناسی



رسانه یا پادگان؟

حضور چندین مجری اسلحه به دست
این پرسش را به وجود آورد
که در صداوسیما چه می‌گذرد؟
مدیران سازمان صداوسیما
به سوالات سازندگی پاسخ ندادند

یادداشت روز

نمایندگان و مرزهای قانونی

راهکار جلوگیری از آشفتگی سیاست‌های کلان
و تهدید انسجام ملی چیست؟



یدالله طاهرزاد

عضو شورای مرکزی و معاون اجتماعی
دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در روزهایی که مسائل امنیت ملی و دیپلماسی کشور
بیش از هر زمان دیگری حساسیت دارد، شاهد
اظهارنظرهایی از سوی برخی نمایندگان مجلس
هستیم که فراتر از چارچوب قانونی آنهاست.
هرچند این صحبت‌ها ممکن است با نیت خیر و
دغدغه‌مندی همراه باشد اما در عمل می‌تواند، تعادل
سیاست‌های کلان کشور را بهم بزند و مصالح ملی
را تحت فشار قرار دهد.

بر اساس قانون اساسی، وظایف نمایندگان
مجلس روشن است؛ قانون‌گذاری و نظارت بر
اجرای قانون. قانون‌گذاری نیز عمدتاً از طریق دو
مسیر انجام می‌شود؛ یا دولت لویحی ارائه می‌دهد
که مجلس بررسی و تصویب می‌کند و یا نمایندگان
خود طرح‌هایی ارائه می‌کنند. اما حتی این طرح‌ها
نیز اگر بار مالی داشته باشند بدون موافقت دولت و
تأیید شورای نگهبان، امکان تبدیل به قانون را ندارند.
بنابراین هرگونه ورود به حوزه‌هایی که تصمیم‌گیری
آنها خارج از صلاحیت مجلس است نه تنها قانونی
نیست بلکه می‌تواند، تبعات منفی جدی داشته باشد.
برخی نمایندگان مجلس گاهی فراتر از وظایف
قانونی خود اظهارنظر می‌کنند و وارد حوزه‌هایی
می‌شوند که نه وظیفه‌شان است و نه حق قانونی
دارند. موضوعاتی مانند مدیریت تنگه هرمز،
تصمیم‌گیری درباره عوارض، مذاکرات بین‌المللی یا
تعیین سیاست‌های امنیتی کاملاً در حیطه اختیارات
شورای عالی امنیت ملی و مجریان مشخص شده
در مصوبات آن قرار دارد. دولت، وزارت کشور،
رئیس‌جمهور، فرماندهان نظامی و انتظامی و سایر
دستگاه‌های ذی‌ربط مسئول اجرای این سیاست‌ها
هستند و نقش نمایندگان در این حوزه‌ها محدود
به نظارت قانونی است. بنابراین اظهارنظر برخی
نمایندگان خارج از این چارچوب می‌تواند، انسجام
ملی و مصالح کشور را به خطر بیندازد.

در همین رابطه، گرچه قانون اساسی برای
محافظت از نمایندگان در چارچوب وظایف‌شان، با
اصل ۸۴، به آنها مصونیت می‌دهد اما هرگونه خروج
از این چارچوب به معنای پایان مصونیت است. این
قانون به روشنی مرز میان آزادی بیان قانونی و رفتار
فراتر از مسئولیت‌ها را مشخص کرده است. بنابراین
نگرانی‌ها و تحلیل‌هایی که خارج از این چارچوب
بیان می‌شوند، نه تنها ارزش قانونی ندارند بلکه امکان
پیگرد قانونی را نیز دارند.

اینجاست که ضرورت آموزش و فرهنگ‌سازی
در میان نمایندگان احساس می‌شود. نمایندگان باید
بدانند که حتی با دغدغه‌مندی و نیت خیر نمی‌توانند
هرگونه موضع‌گیری یا اظهارنظری را آزادانه انجام
دهند. مجلس خانه قانون‌گذاری است، نه شورای
امنیت ملی. نمایندگان باید این مرز را حفظ کنند
تا هم مسئولیت قانونی خود را به‌درستی ایفا کنند
و هم از تنش‌ها و آشفتگی‌های سیاسی جلوگیری
شود. حرکت در چارچوب مشخص قانونی، احترام
به نهادهای ذی‌ربط و پرهیز از سخنان تفرقه‌انگیز
کلید حفظ انسجام و امنیت ملی است. در غیر
این صورت، اظهارنظرهای خارج از حیطه، نه تنها
راه به‌جایی نمی‌برد بلکه مشکلات مردم و کشور را
تشدید می‌کند. به بیان ساده‌تر، آزادی بیان نماینده
حق قانونی اوست؛ اما این آزادی زمانی ارزشمند
است که در چارچوب وظایفش قرار گیرد.



آخ‌سپین تلاش‌ها؟

**سید محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان، بدون برنامه قبلی به ایران آمد
و با اسکندر مومنی، وزیر کشورمان دیدار کرد. منابع خبری اعلام کردند که
با افزایش سطح تنش‌ها، پاکستان در تلاش است تا ایران و آمریکا برای تداوم
آتش بس و عدم وقوع جنگ جدید، انعطاف بیشتری از خود نشان دهند
سازندگی به این موضوع پرداخته است**

به قالب توافقی مشخص انجام می‌شود و
طرف آمریکایی خواستار دریافت پاسخ برای
نکات مشخصی در سند مذاکره شده است.
بر اساس این گزارش، هیچ جایگزینی برای
توافق مرحله‌ای وجود ندارد و در مذاکرات
درباره موضوعات باقی‌مانده از جمله هسته‌ای
باز است. در همین حال رسانه پاکستانی
ARY News نوشت: محسن نقوی، وزیر
کشور پاکستان حامل پیامی مهم برای ایران
است. کامران یوسف، خبرنگار رسانه پاکستانی
اکسپرس نیوز نیز اعلام کرد، سفر اعلام نشده
وزیر کشور پاکستان به تهران، بخشی از تلاش
آخر برای حصول توافق بین ایران و آمریکاست.
ادامه در صفحه ۳

«الحدث» گفتند، اسلام‌آباد به دنبال آن است
که به فرآیند میانجیگری با جدیت کامل ادامه
دهد. در همین راستا برخی منابع رسمی
پاکستان اظهار کردند: اسلام‌آباد تلاش می‌کند
تهران و واشنگتن را متقاعد کند در مذاکرات
انعطاف نشان دهند. به نوشته الحدث، سفر
وزیر کشور پاکستان به ایران با هدف دستیابی

سید محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان برای
دیدار با مقام‌های کشور، وارد ایران شد.
برخی منابع رسمی پاکستان به شبکه خبری



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

رسانه

میدان تازه سیاست‌ورزی

رسانه‌ها درباره آینده اینترنت و کاهش محدودیت‌ها چه می‌گویند؟

گروه سیاسی: در هفته‌ای که گذشت، سیاست داخلی ایران بیش از هر چیز حول موضوع اینترنت به‌عنوان مسأله‌ای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و حتی نمادی از رابطه حاکمیت با جامعه چرخید و «اینترنت طبقاتی»، «اینترنت پرو» و کاهش محدودیت‌ها به مهم‌ترین بحث رسانه‌ای و سیاسی کشور تبدیل شد؛ تا جایی که از دولت تا رسانه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا، از روزنامه‌های رسمی تا خبرگزاری‌های تحلیلی هر کدام به شکلی به آن پرداختند. خبرگزاری ایرنا، رسانه رسمی دولت، موضوع اینترنت پرو را در چارچوب «باز شدن آغوش حاکمیت به روی مردم» روایت کرد. در گفت‌وگوی منتشرشده این خبرگزاری با رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، تأکید شد که «آغوش حاکمیت باید برای آحاد ملت گشوده شود» و هم‌زمان نیز از سیاست دولت برای گشایش اینترنت بین‌الملل گفت. در روایت ایرنا کاهش محدودیت اینترنت، بخشی از پروژه بازسازی اعتماد عمومی و ترمیم رابطه دولت و جامعه معرفی شد؛ یعنی دولت می‌خواهد نشان دهد این تصمیم در راستای حکمرانی بهتر است نه صرفاً واکنش به فشارهای اقتصادی.

ایسنا اما روایت محتاط‌تر و اجرایی‌تری داشت. این خبرگزاری به نقل از سخنگوی دولت نوشت که مسیر دولت، حرکت به سمت «دسترسی پایدار به اینترنت، کاهش محدودیت‌ها در چارچوب مصالح کشور و ایجاد توازن» است که نشان می‌دهد، دولت میان دو فشار هم‌زمان گرفتار است؛ از یک‌سو مطالبه عمومی برای اینترنت آزادتر و از سوی دیگر ملاحظات امنیتی و سیاسی ساختار قدرت. ایسنا برخلاف ایرنا کمتر بر مفهوم آشنی سیاسی تمرکز داشت و بیشتر بر مدیریت تدریجی محدودیت‌ها تأکید کرد.

اما رسانه‌های اصولگرا با تردید بیشتری به ماجرا نگاه کردند. روزنامه کیهان، مطابق انتظار، مسأله را از زاویه امنیتی دید. این روزنامه بر این نکته تأکید داشت که اینترنت نباید به ابزاری برای «جنگ شناختی دشمن» تبدیل شود. هرگونه گشایش باید در چارچوب کنترل امنیتی انجام شود. کیهان عملاً از همان موضع همیشگی دفاع کرد: اینترنت باید مدیریت شود، نه آزاد. در این نگاه، رضایت اجتماعی اولویت دوم است و اولویت اصلی، کنترل و صیانت است.

روزنامه جوان، زاویه متفاوت‌تری داشت. این روزنامه بیشتر به پیامدهای اقتصادی پرداخت و نوشت که مدل «اینترنت پرو» یا دسترسی ویژه برای کسب‌وکارها می‌تواند راه‌حلی موقت برای کاهش فشار اقتصادی باشد اما نباید به ایجاد شکاف اجتماعی میان شهروندان منجر شود. جوان از یک‌سو ضرورت حمایت از کسب‌وکارها را پذیرفت اما از سوی دیگر هشدار داد که اینترنت طبقاتی می‌تواند نارضایتی عمومی تولید کند و به یک مسأله سیاسی تازه بدل شود. همین نکته در رسانه‌های خارجی نیز بازتاب داشت؛ خبرگزاری رویترز گزارش داد که شورای عالی امنیت ملی طرح موقت اینترنت پرو را برای حفظ فعالیت اقتصادی کسب‌وکارها تصویب کرده است.

خبرگزاری تسنیم نیز تلاش کرد، فضای نگرانی را کنترل کند؛ بنابراین بسر موقتی بودن این وضعیت تأکید کرد و از بازگشت تدریجی دسترسی به اینترنت جهانی نوشت. در روایت تسنیم، محدودیت‌ها بخشی از مدیریت شرایط بحرانی و امنیتی تلقی می‌شود نه یک سیاست دائمی. این رسانه تلاش کرد از شکل‌گیری این تصور جلوگیری کند که دولت به سمت رسمی‌سازی اینترنت طبقاتی حرکت کرده است. پایگاه‌های خبری تابناک و انتخاب که فضای تحلیلی‌تری دارند نیز این موضوع را در پیوند با وضعیت کلی سیاست داخلی و خارجی بررسی کردند. از نگاه این رسانه‌ها، دولت برای عبور از فشار اقتصادی، کاهش نارضایتی اجتماعی و حفظ انسجام داخلی ناچار است، سیگنال‌هایی از گشایش داخلی ارسال کند و اینترنت یکی از ملموس‌ترین حوزه‌ها برای افکار عمومی است. بنابراین هر اظهار نظر درباره کاهش محدودیت‌ها فوراً به مسأله‌ای سیاسی تبدیل می‌شود. در مجموع از نگاه رسانه‌ها، مردم شاید بسیاری از وعده‌های سیاسی را لمس نکنند اما محدودیت اینترنت را هر روز در زندگی خود حس می‌کنند؛ در کار، درآمد، آموزش، ارتباط و حتی ساده‌ترین امور روزمره. به همین دلیل هم هست که اینترنت در ایران صرفاً ابزار ارتباط نیست و بحث «اینترنت پرو» یا «کاهش محدودیت‌ها» نیز بسیار فراتر از حوزه فناوری فهمیده می‌شود. بنابراین وقتی دولت از کاهش محدودیت‌ها حرف می‌زند، مردم آن را فقط به معنای باز شدن چند سالیات فیلترشده نمی‌فهمند و آن را نشانه‌ای از اراده سیاسی برای تغییر می‌بینند.

ساز ناکوک تفرقه

هشدار آیت‌الله اعرافی به برهم‌زنندگان انسجام ملی

سیاسی افزودند.

در ماه‌های اخیر بارها شاهد بوده‌ایم که برخی نمایندگان مجلس، برخی چهره‌های ثابت رسانه‌ای و حتی بعضی مجریان تلویزیونی به‌جای ایفای نقش آرام‌کننده و تقویت‌کننده اعتماد به تریبون‌های التهاب‌ساز تبدیل شده‌اند. این درحالی است که این‌گونه اظهارات ساختارشکنانه، غیرمنطقی و گاه تحریک‌آمیز، نه کمکی به حل مسائل کشور کرده و نه گرهی از مشکلات باز می‌کند و شاید مهم‌ترین و البته بدترین نتیجه آن فراهم کردن خوراک رسانه‌ای برای دشمنان و معاندان باشد.

رسانه ملی یا تریبون یک جریان خاص؟

نمونه روشن این وضعیت را می‌توان در رسانه ملی و برخی



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در شرایطی که بیش از هر زمان دیگری، ضرورت حفظ انسجام ملی احساس می‌شود و حفظ وحدت به مطالبه اصلی کشور بدل شده، برخی نمایندگان، چهره‌های ثابت تلویزیونی و مجریان صداوسیما با اظهارات رادیکال و وحدت‌شکن علاوه بر اینکه از مسیر مصالح کلان فاصله گرفته‌اند، رسانه ملی را هم به تریبون یک جریان خاص بدل کرده‌اند. این درحالی است که هر سخن، رفتار و تریبونی که به‌جای تقویت همبستگی اجتماعی، شکاف و دوگانگی تولید کند عملاً در مسیر خلاف منافع ملی حرکت می‌کند حتی اگر گوینده آن، خود را دلسوزترین فرد برای نظام معرفی کند. با این حال گویا در این شرایط، مسابقه‌ای برای هرچه رادیکال‌تر سخن گفتن و مصادره انحصاری مفهوم انقلابی‌گری در عرصه سیاسی بدون در نظر گرفتن اقتضانات امروز کشور برافراشته است. برخی چهره‌ها طوری اظهار نظر می‌کنند که گویی تنها قرأت معتبر از وفاداری به نظام همان ادبیات تند، حذف‌گرا و تقابلی است که نه به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند و نه نسبتی با عقلانیت سیاسی دارد و نتیجه‌اش هم لاجرم دامن زدن به شکاف‌های اجتماعی است.

هشدار به تریبون‌های وحدت‌شکن

در همین رابطه، روز گذشته آیت‌الله علیرضا اعرافی نیز با صراحت این نگاه را در پیامی به نشست هم‌اندیشی شاعران مورد تأکید قرار داد و تصریح کرد هر صدایی که بر اتحاد ملت خدشه وارد کند، در زمین دشمن بازی می‌کند و ابزار استکبار است. مدیر حوزه‌های علمیه با اشاره به ضرورت ریشه داشتن اصلاح و جهت‌دهی فکری جامعه در مبنای مستحکم معرفی هشدار می‌دهد که بدون اتکا به عقلانیت دینی و معارف اصیل نتیجه چیزی جز سرگردانی و افزایش وحشت اجتماعی نخواهد بود.

در همین چارچوب، سخنگوی وزارت کشور نیز روز گذشته به روشنی اعلام کرد که سیاست رسمی نظام، جلوگیری قاطع از هر شعار، سخنرانی و اقدامی است که باعث اختلال در انسجام ملی شود. علی‌زینی‌وند تأکید کرد که در شرایط فعلی نه باید جلوتر از رهبری حرکت کرد و نه عقب‌تر؛ بلکه همه باید در چارچوب مصالح کلان کشور رفتار کنند. او به‌دسترسی یادآور شد که از نماینده مجلس به دلیل جایگاه حقوقی و سیاسی‌اش انتظار بیشتری برای رعایت این ملاحظات وجود دارد. به نظر می‌رسد، اشاره زینی‌وند به اظهارات برخی نمایندگان است که در هفته‌های اخیر با مواضع تند، سخنان تحریک‌آمیز و حتی طرح مطالبی خارج از چارچوب‌های رسمی تصمیم‌گیری عملاً به‌جای کمک به آرامش فضای عمومی بر التهاب

پارلمان

تصمیم تازه پزشک‌یان زیر ذره‌بین

عضو هیأت‌رئیس مجلس: انتصاب عارف به‌عنوان رئیس ستاد ویژه فضای مجازی، خلاف قانون است

گروه سیاسی: در روزهای اخیر، انتصاب محمدرضا عارف به ریاست «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی» از سوی رئیس‌جمهور به یکی از تصمیمات بحث‌برانگیز دولت تبدیل شده؛ تصمیمی که هم در مجلس و هم در جریان اصلاح‌طلبان، واکنش‌های متفاوتی به‌دنبال داشته و عملاً به موضوعی برای مناقشه درباره حدود اختیارات دولت در حکمرانی فضای مجازی بدل شده است.

علیرضا سلیمی، عضو هیأت‌رئیس مجلس، روز گذشته در گفت‌وگو با فارس تأکید کرد که این انتصاب با قوانین بالادستی ازجمله «برنامه هفتم توسعه» و سیاست‌های کلی نظام مغایرت دارد و بدون شک به دلیل آنکه با قانون مطابقت ندارد، نقیض این اختیار خلاف قانون است. به گفته او، تشکیل چنین ستادی عملاً به‌معنای انتقال بخشی از اختیارات «شورای عالی فضای مجازی» به نهادی خارج از آن است؛ موضوعی که از نگاه او نه تنها از نظر حقوقی محل ایراد است بلکه می‌تواند، ساختار تصمیم‌گیری در حوزه اینترنت را دچار موازی‌کاری و ابهام کند. سلیمی همچنین این پرسش را مطرح

کرد که وقتی رئیس‌جمهور خود ریاست شورای عالی فضای مجازی را برعهده دارد چرا باید بخشی از اختیارات به یک ستاد جدید واگذار شود؛ موضوعی که به گفته او می‌تواند با فلسفه وجودی شورا در تعارض باشد.

در مقابل، نگاه متفاوتی در گفت‌وگوهای سیاسی مطرح می‌شود. سیدمحمد ابیطبی در گفت‌وگو با خبرآنلاین، احتمال موفقیت این مسیر را رد نمی‌کند و معتقد است اگر واقعاً اختیارات و اراده اجرایی کافی پشت این ستاد باشد، می‌تواند به بهبود وضعیت اینترنت و علت عدم توفیق آقای پزشک‌یان در شورای عالی فضای مجازی، کارشکنی‌هایی است که در دست ایشان نیست» این تصمیم را نه صرفاً یک جای‌جایی اداری بلکه تغییری در «صورت مسأله مسئولیت دولت» توصیف کرده است. ابیطبی معتقد است این حکم می‌تواند دولت را در برابر مطالبات مستقیم‌تری درباره رفع فیلترینگ و وضعیت اینترنت قرار دهد. او همچنین تأکید می‌کند که اگر این اقدام

اعتماد جامعه و نتیجه آن هم کاملاً مشهود است به‌طوری که بخش بزرگی از جامعه مدت‌هاست که از رسانه ملی رویگردان شده است.

گودرزی به‌دسترسی یادآوری می‌کند که هر نماینده‌ای وقتی سخن می‌گوید، نظر شخصی خود را بیان می‌کند نه نظر کل مجلس. اما وقتی صداوسیما فقط همان چند چهره خاص را برجسته می‌کند، افکار عمومی تصور می‌کند، آن مواضع تند و بعضاً پرهزینه، موضع رسمی مجلس و حتی نظام است. این همان خطایی است که هزینه‌های سیاسی و اجتماعی سنگینی ایجاد می‌کند.

هزینه‌سازی به‌نام دلسوزی

نمونه‌ای از این رفتارهای مسأله‌ساز، مطالبه عجیب انتشار صوت رهبری یا طرح برخی سخنان نسنجیده درباره نحوه اداره کشور توسط برخی نمایندگان مجلس است؛ موضوعی که خود گودرزی نیز آن را نقد کرده و گفته چنین حرف‌هایی چه معنایی دارد، وقتی دستگاه‌های مسئول امنیتی و تصمیم‌گیر کشور بر اساس ملاحظات کلان عمل می‌کنند؟ این همان «کاسه داغ‌تر از آتش» شدن است که نه نشانه دلسوزی که نمایانگر نوعی بی‌نظمی سیاسی و تشویش افکار عمومی است.

مسأله مهم‌تر این است که برخی افراد با نام دفاع از نظام عملاً هزینه برای نظام تولید می‌کنند. آنها تصور می‌کنند هرچه تندتر سخن بگویند، انقلابی‌ترند؛ درحالی که امروز عقلانیت، انضباط سیاسی و تبعیت از مصالح کلان کشور، معیار واقعی مسئولیت‌پذیری است. اتفاقاً همان‌طور که وزارت کشور تأکید کرده، دشمن دقیقاً روی فرسایش انسجام اجتماعی حساب باز کرده است؛ بنابراین هر صدای تفرقه‌افکن، حتی اگر با ظاهر دلسوزی مطرح شود، ناخواسته در همان زمین بازی می‌کند.

صداوسیما در این میان مسئولیتی دوچندان دارد. رسانه ملی باید آینه همه ملت باشد، نه باشگاه سیاسی چند چهره خاص. دعوت مکرر از یک حلقه محدود، حذف صداها متنوع و میدان دادن به ادبیات تند و غیرمنطقی، هم خلاف امنیت ملی، هم خلاف عدالت رسانه‌ای و هم خلاف امنیت روانی جامعه است.

امروز کشور بیش از هر زمان دیگری به عقلانیت، آرامش و انسجام نیاز دارد. نه نماینده مجلس حق دارد با سخنان نسنجیده وحدت ملی را مخدوش کند، نه مجری تلویزیون باید خود را فراتر از مسئولیت رسانه‌ای ببیند و نه صداوسیما مجاز است، تریبون رسمی یک جریان خاص شود. معیار مشخص است؛ هر سخنی که به تقویت همبستگی ملی کمک کند، ارزشمند است و هر صدایی که بر طبل شکاف بکوبد حتی اگر با شعار دلسوزی همراه باشد، در نهایت به سود دشمن تمام خواهد شد. بنابراین امروز بیشتر از همیشه ضرورت دارد که چهره‌ها و رسانه‌های مرجع، ساز انسجام را بنوازند نه ساز ناکوک تفرقه را.

صرفاً در حد تغییر ساختار باقی ماندن و خروجی ملموسی نداشته باشد نه تنها گرهی از مشکل باز نمی‌کند بلکه بار انتقادها را مستقیماً متوجه دولت خواهد کرد. ابیطبی در بخش دیگری از اظهارات خود هشدار داده که این تصمیم می‌تواند، نوعی «ریسک سیاسی» برای دولت باشد؛ زیرا اگر نتیجه مشخصی در بهبود وضعیت اینترنت حاصل نشود، این برداشت تقویت می‌شود که دولت تنها در سطح ساختاری، تغییر ایجاد کرده بدون آنکه توان حل مسأله را داشته باشد. در سایر گزارش‌های تحلیلی منتشرشده نیز به این نکته اشاره شده که تشکیل این ستاد در شرایطی انجام شده که بحث اختلال اینترنت و محدودیت‌ها به یک مسأله اجتماعی و اقتصادی جدی تبدیل شده است. با این حال اختلاف اصلی در برداشت‌ها همچنان وجود دارد. منتقدان آن را مغایر با قانون و ایجاد ساختار موازی می‌دانند، درحالی که برخی چهره‌های سیاسی و حامیان دولت، آن را محکی جدی برای دولت تلقی می‌کنند که می‌تواند یا به افزایش اعتماد عمومی منجر شود یا به تشدید فشارها بر دولت بینجامد.

آخرین تلاش‌ها

تقوی از معتمدان نزدیک فیلد مارشال (فرمانده ارتش پاکستان) است و یک ماه پیش نیز او را در سفر سه‌روزه‌اش به ایران همراهی کرده بود. با توجه به اینکه ترامپ پس از سفر پکن، به واشنگتن بازگشته و در حال اندیشیدن به گام بعدی است، سفر وزیر کشور پاکستان حیاتی تلقی می‌شود.

وزیر فدرال کشور پاکستان در بدو ورود به فرودگاه مورد استقبال همتای ایرانی خود، اسکندر مؤمنی، وزیر کشور قرار گرفت که از جانب دولت، خیرمقدمی به وی ابراز کرد. پس از مراسم استقبال، دو وزیر کشور دیداری دو جانبه برگزار کردند که طی آن درباره روابط ایران و پاکستان و چشم‌انداز از سرگیری مذاکرات صلح، گفت‌وگوهای مفصلی انجام شد. در این نشست همچنین موضوعات مورد علاقه مشترک، از جمله صلح پایدار در منطقه و آخرین تحولات منطقه‌ای، بررسی شد.

وزیر کشور ایران، تلاش‌های فیلد مارشال ژنرال سیدعاصم منیر برای حل‌وفصل مناقشه جاری را صادقانه و متعهدانه دانست و از نقش پاکستان در ترویج صلح و ثبات منطقه‌ای تقدیر کرد. مؤمنی در این دیدار اظهار کرد: «ایران همواره حامی صلح بوده است و ما عمیقاً از تلاش‌های پاکستان در این زمینه قدردانی می‌کنیم. ما ابتکارات پاکستان را با احترام و تحسین فراوان می‌نگریم».

آسیا

چانه‌زنی بر سر ایران ترامپ دست خالی پکن را ترک کرد؟

گروه بین‌الملل: سفر دو روزه دونالد ترامپ به چین، در حالی به پایان رسیده که نه تنها ابهام‌ها درباره نتایج واقعی آن کاهش نیافته بلکه دامنه پرسش‌ها درباره اهداف پنهان و توافق‌های احتمالی میان واشنگتن و پکن گسترده‌تر شده است. اگرچه رئیس‌جمهور آمریکا این سفر را موفقیتی بزرگ در حوزه تجارت و سیاست خارجی توصیف کرد اما منتقدان او معتقدند، دستاورد ملموسی برای آمریکا حاصل نشده و بخش مهمی از تحولات پشت درهای بسته باقی مانده است؛ موضوعی که باعث شده این سفر بیش از آنکه نمایش یک پیروزی سیاسی باشد، نشانه‌ای از پیچیده‌تر شدن معادلات قدرت میان دو ابرقدرت جهانی تلقی شود.

چاک شومر، سناتور ارشد دموکرات آمریکا، با انتقاد از نتایج این سفر، اعلام کرد که ترامپ هیچ دستاورد مشخصی در حوزه تعرفه‌ها، تجارت، بحران فنتانیل، تنگه هرمز، جنگ ایران یا جنگ اوکراین برای مردم آمریکا به همراه نداشته است. این انتقادات در شرایطی مطرح می‌شود که حتی پیش از ورود ترامپ به پکن نیز

گمانه‌زنی‌های فراوانی درباره معامله احتمالی دو کشور بر سر ایران وجود داشت. به نظر می‌رسید واشنگتن تلاش دارد چین را متقاعد کند، فشار بیشتری بر تهران وارد کند؛ هم برای بازگشایی تنگه هرمز و هم برای نرم‌تر شدن مواضع ایران در مذاکراتی که می‌تواند به پایان جنگ منجر شود.

با این حال بسیاری از کارشناسان مسائل چین، پیش از دیدار ترامپ و شی جین‌پینگ، هشدار داده بودند که پکن بعید است تنها از سر همکاری یا حسن‌نیت، خواسته‌های آمریکا را بپذیرد. از نگاه آنها، چین در بهترین حالت، حاضر خواهد بود در قالب یک معامله سیاسی، وارد عمل شود و در ازای کمک به واشنگتن درباره

ایران امتیازهای مهمی از آمریکا دریافت کند. همین نگاه سبب شد برخی تحولات همزمان با سفر ترامپ به پکن با حساسیت ویژه‌ای دنبال شود؛ از جمله موضوع تعلیق فروش ۱۲ میلیارد دلار تسلیحات آمریکایی به تایوان که بسیاری آن را نشانه‌ای از تلاش واشنگتن برای کاهش تنش با پکن تفسیر کردند.

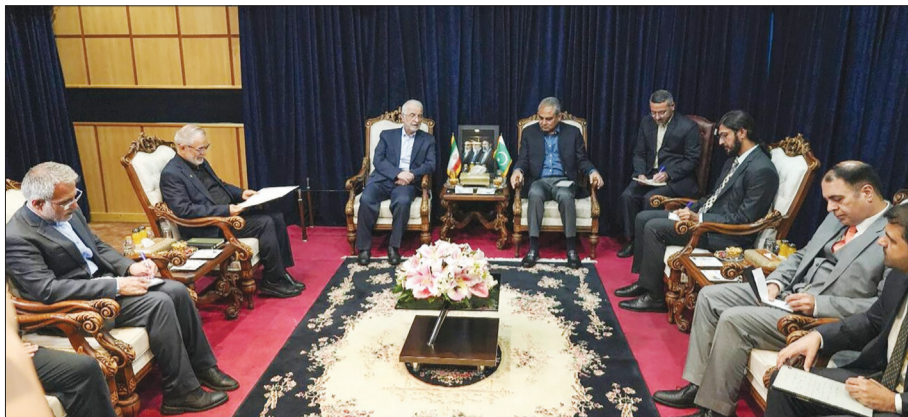
همزمان گمانه‌زنی‌ها درباره نقش چین در جنگ ۴۰ روزه ایران نیز دوباره افزایش یافت. اگرچه پکن هرگونه کمک اطلاعاتی و نظامی به تهران را رد کرده اما برخی منابع مدعی هستند، چین ارسال موشک‌های ضدهوایی قابل حمل به ایران را بررسی کرده و در حوزه اطلاعات، پشتیبانی ماهواره‌ای و فناوری‌های دوگانه مورد استفاده در پهبادها و موشک‌ها به تهران کمک رسانده است. حتی گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه برخی شرکت‌های چینی

دو طرف بار دیگر بر تعهد خود نسبت به تقویت روابط تاریخی و برادرانه میان پاکستان و ایران تأکید و بر اهمیت تداوم همکاری‌ها برای پیشبرد صلح، امنیت و رفاه در سراسر منطقه اشاره کردند. در این مراسم، شماری از مقامات ارشد دولت ایران و نمایندگان سفارت پاکستان در تهران نیز حضور داشتند. مؤمنی پس از این دیدار، اعلام کرد: یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای امروز (روز گذشته)، موضوع تجارت مرزی بود که توافق شد هم از سوی ایران و هم از سوی پاکستان، تسهیلات و اقداماتی صورت گیرد تا فرایندها کوتاه‌تر و مبادلات مرزی، ترانزیتی، تبادل کالا و تجارت با سهولت بیشتری انجام شود.

سفر وزیر کشور پاکستان به تهران در حالی انجام شد که پیش‌تر لیتدسسی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه از ایالت کارولینای جنوبی مدعی شد «من تا جایی که می‌توانم به پاکستان اعتماد ندارم».

گراهام با اشاره به گزارش‌های تکذیب‌شده، مدعی شد: «اگر آنها (طرف پاکستانی) واقعاً هواپیماهای ایرانی را برای محافظت از دارایی‌های نظامی ایران در پایگاه‌های پاکستان گذاشته‌اند، این به من می‌گوید که ما باید به دنبال شخص دیگری برای میانجیگری باشیم. جای تعجب نیست که این موضوع لعنتی به جایی نمی‌رسد». ادعای گراهام در حالی

مطرح شده که وزارت خارجه پاکستان دیروز در بیانیه‌ای اعلام کرد، اسلام‌آباد قاطعانه گزارش شبکه خبری سی‌سی‌بی‌اس در مورد حضور هواپیماهای ایرانی در پایگاه هوایی نورخان را گمراه‌کننده و جنجالی می‌داند. این وزارتخانه اعلام کرد: «چنین گمانه‌زنی‌هایی به‌منظر می‌رسد با هدف تضعیف تلاش‌های جاری برای ثبات و صلح منطقه‌ای انجام می‌شود. پس از آتش‌بس و در خلال دور اول مذاکرات در اسلام‌آباد، تعدادی هواپیما از ایران و ایالات متحده برای تسهیل جابه‌جایی پرسنل دیپلماتیک، تیم‌های امنیتی و کارکنان اداری مرتبط با روند مذاکرات به پاکستان رسیدند. برخی از هواپیماها و پرسنل پشتیبانی به‌طور موقت در پاکستان در انتظار دوره‌های بعدی تعامل باقی ماندند». وزارت خارجه پاکستان همچنین در بیانیه خود آورده است: «هواپیماهای ایرانی که در حال حاضر در پاکستان است در دوره آتش‌بس وارد شده و هیچ ارتباطی با هیچ‌گونه احتمال نظامی یا ترتیبات حفاظتی ندارد. ادعاهایی که خلاف این را نشان می‌دهند، گمانه‌زنی



گمراه‌کننده و کاملاً به دور از واقعیت هستند». در ادامه نیز دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با گراهام مخالفت کرد و گفت: «پاکستانی‌ها عالی هستند. فیلد مارشال و نخست‌وزیر پاکستان کاملاً عالی بوده‌اند». تلاش‌های تازه پاکستان در حالی انجام می‌شود که ترامپ به‌تازگی اعلام کرد که از پیشنهاد ایران برای توافق راضی نیست. اگرچه به‌تازگی ناو جرالد فورد از منطقه خارج شده اما منابع خبری از جمله نیویورک‌تایمز می‌گویند، آمریکا و اسرائیل در حال انجام آماده‌سازی گسترده برای از سرگیری حملات علیه ایران هستند. براساس این گزارش، منابع مذکور تصریح کرده‌اند که این آماده‌سازی‌ها، گسترده‌ترین تحرکات نظامی از زمان برقراری آتش‌بس تاکنون به‌شمار می‌رود و حملات جدید آمریکا و اسرائیل به ایران احتمالاً از هفته آینده آغاز خواهد شد. با وجود این وضعیت، اسلام‌آباد آمورت دشواری در نزدیک کردن مواضع واشنگتن و تهران دارد تا روایت پیروزی بر یکی از طرف‌ها غالب نشود و در یک حالت متعادل دریچه‌ای به سوی صلح گشوده شود.

خاورمیانه

آغاز به کار نخست‌وزیر عراق الزیدی سکان دولت را در دست گرفت

علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر جدید عراق، روز شنبه طی مراسمی رسمی در کاخ دولت در بغداد، مسئولیت خود را به‌طور رسمی به‌عنوان نخست‌وزیر و فرمانده کل نیروهای مسلح عراق تحویل گرفت.

براساس بیانیه دفتر رسانه‌ای نخست‌وزیر عراق، این مراسم با حضور «محمد شیاع السودانی» نخست‌وزیر سابق برگزار شد و شامل رژه یگان‌های تشریفات نظامی از بخش‌های مختلف نیروهای مسلح عراق، نواخته شدن سرود ملی و شلیک توپ‌های صلح بود. وی با اشاره به رأی اعتماد پارلمان عراق به کابینه جدید خود، گفت که این اعتماد در مقطع حساسی از تاریخ عراق صورت گرفته و مسئولیت سنگینی برای دولت ایجاد کرده است. نخست‌وزیر جدید عراق ضمن قدردانی از پارلمان، جریان‌های سیاسی و رهبران چارچوب هماهنگی شیعیان عراق، تأکید کرد که مرحله پیش‌رو باید دوره‌ای مبتنی بر مشارکت واقعی و عبور از اختلافات سیاسی باشد.

الزیدی افزود: دولت ما در اولویت‌های خود اجرای یک برنامه جامع اصلاحات اقتصادی، مالی و اداری را قرار داده است. این برنامه با هدف ایجاد اقتصادی قدرتمند، متنوع و پایدار دنبال خواهد شد تا اقتصاد عراق از وابستگی به یک منبع درآمدی خارج شود. وی همچنین مبارزه با فساد را یکی از مهم‌ترین محورهای کاری دولت خود دانست و گفت: فساد دیگر صرفاً یک نقص اداری نیست بلکه به مانعی در مسیر توسعه و پیشرفت کشور تبدیل شده است. نخست‌وزیر عراق وعده داد، دولت جدید از طریق اجرای پروژه‌های تولیدی و توسعه‌ای، فرصت‌های شغلی بیشتری برای جوانان ایجاد کرده و نرخ بیکاری را کاهش دهد. او همچنین از برنامه‌های دولت‌ش برای حمایت از سرمایه‌گذاری و تقویت نقش بخش خصوصی در اقتصاد عراق سخن گفت. پارلمان عراق پنج‌شنبه با رأی اکثریت به کابینه علی فالح الزیدی و برنامه دولت جدید رأی اعتماد داد؛ اقدامی که پس از هفته‌ها رایزنی سیاسی اتفاق افتاد اما ریاست برخی از وزارتخانه‌ها همچنان بلا تکلیف باقی مانده است.



گوشت گاو، دانه سویا و هواپیماهای بوئینگ خواهد بود. جیمیسون گریر، نماینده تجاری آمریکا اعلام کرد، انتظار می‌رود چین طی سه سال آینده، ده‌ها میلیارد دلار محصولات کشاورزی آمریکا را خریداری کند هرچند پکن هنوز این موضوع را به‌صورت رسمی تأیید نکرده است.

در بخش دیگری از توافق‌های اعلام‌شده، گفته شد چین ۲۰۰ فروند هواپیمای بوئینگ خریداری خواهد کرد؛ معامله‌ای که ترامپ علاقه زیادی دارد آن را به‌عنوان نمادی از موفقیت اقتصادی خود مطرح کند. او بعداً حتی مدعی شد این رقم ممکن است تا ۷۵۰ فروند افزایش یابد. با این حال هیچ نشانه‌ای از دستیابی دو کشور به یک توافق جامع برای عادی‌سازی کامل روابط تجاری دیده نشد.

در این میان، هر دو طرف همچنان ابزارهای فشار مهمی علیه یکدیگر در اختیار دارند. ترامپ تعرفه‌ها را مهم‌ترین برگ برنده آمریکا می‌داند اما شی جین‌پینگ نیز برتری بزرگی در حوزه عناصر کیمیا معدنی دارد؛ موادی حیاتی که برای صنایع پیشرفته و فناوری‌های نوین ضروری هستند. چین سال گذشته صادرات این مواد را محدود کرد و همین اقدام زنجیره تأمین جهانی را مختل و آمریکا را ناچار به مذاکره کرد. اگرچه پکن در ماه اکتبر و هم‌زمان با توافق آتش‌بس تجاری، پذیرفت صادرات این مواد را از سر بگیرد اما مقام‌های آمریکایی می‌گویند، چین همچنان در صدور مجوزهای صادراتی تعلل می‌کند و شرکت‌های آمریکایی با مشکلات جدی روبرو هستند.

رسانه‌های دولتی چین، در جریان اجلاس، تقریباً هیچ اشاره‌ای به موضوع عناصر کیمیا نکرده و به‌نظر می‌رسد، ترامپ نیز بدون دستیابی به توافقی روشن درباره این مواد راهبردی، پکن را ترک کرده است. همچنین هنوز مشخص نیست درخواست چین برای دسترسی به پیشرفته‌ترین تراشه‌های شرکت انویدیا چه سرنوشتی پیدا کرده است؛ تراشه‌هایی که به دلیل رقابت فزاینده دو کشور در حوزه هوش مصنوعی تحت محدودیت‌های صادراتی آمریکا قرار دارند.

در مجموع بسیاری از کارشناسان معتقدند، لحن نرم‌تر و رفتار محترمانه ترامپ در برابر شی جین‌پینگ، نشانه‌ای آشکار از پذیرش واقعیت جدید در نظام بین‌الملل است؛ واقعیتی که در آن چین دیگر صرفاً یک رقیب اقتصادی نیست بلکه به قدرتی تبدیل شده که آمریکا ناچار است در بسیاری از پرونده‌های جهانی با آن هماهنگ شود. با وجود همه ابهام‌ها و پرسش‌های بی‌پاسخ به‌نظر می‌رسد، دیدارهای ترامپ و شی جین‌پینگ ادامه خواهد داشت. انتظار می‌رود دو رهبر در نشست‌های «اپک» و گروه ۲۰ که امسال به‌ترتیب در چین و آمریکا برگزار می‌شود بار دیگر با یکدیگر دیدار کنند. ترامپ همچنین بار دیگر از رئیس‌جمهور چین دعوت کرده در ماه سپتامبر برای یک سفر رسمی دولتی به کاخ سفید برود؛ دعوتی که هنوز مشخص نیست، شی جین‌پینگ آن را پذیرفته باشد یا نه.



به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. هرچند این مواضع پیش‌تر نیز از سوی چین مطرح شده بود اما رئیس‌جمهور آمریکا تلاش کرد آنها را به‌عنوان بخشی از دستاوردهای سفر خود معرفی کند. ترامپ همچنین در گفت‌وگو با «برت بایر» مجری شبکه فاکس نیوز درباره رهبر چین گفت: «او دوست دارد این ماجرا پایان پیدا کند. دوست دارد کمک کند. اگر بخواید کمک کند، عالی است. اما ما به کمک نیاز نداریم».

در حوزه اقتصادی نیز ترامپ تلاش کرد، سفر خود را یک موفقیت بزرگ جلوه دهد. او روز جمعه اعلام کرد با شی جین‌پینگ به «توافق‌های تجاری فوق‌العاده‌ای» رسیده است؛ توافقی‌هایی که هنوز جزئیات دقیق آنها روشن نشده است. پیش از برگزاری اجلاس گفته می‌شد، سه محور اصلی مذاکرات تجاری شامل

گفتار

گاه ضعیف و گاه متوسط

روایت مقصود فراستخواه

از فراز و فرود جامعه‌شناسی در ایران

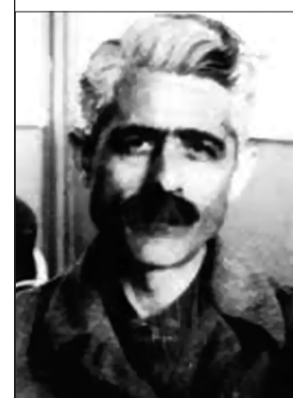


جامعه‌شناسی در ایران، بیش از آن که یک رشته دانشگاهی باشد، عرصه‌ای از کشمکش‌های فکری، نهادی و تاریخی است؛ عرصه‌ای که در آن علم، قدرت و زندگی اجتماعی درهم تنیده‌اند. مقصود فراستخواه که سال‌هاست این وضعیت را از منظر درونی و انتقادی پی می‌گیرد در گفت‌وگو با ایبنا، جامعه‌شناسی ایرانی را نه پروژه‌ای شکست‌خورده و نه تجربه‌ای تمام‌شده می‌داند بلکه «برنامه‌ای متوسط» می‌خواند که در میانه دست‌گناه‌های بسته و زیست‌جهان‌های زنده جامعه ایرانی

در رفت‌وآمد است. او در این گفت‌وگو درباره سیر تاریخی جامعه‌شناسی در ایران می‌گوید: «اگر بخواهیم از لحاظ تاریخی نگاه کنیم، از سال ۱۲۷۷ که مدرسه سیاسی در دوران مشروطه تأسیس شد تا سال ۱۳۱۷ که آموزش جامعه‌شناسی در ایران به‌طور رسمی آغاز شد، حدود ۴۰ سال فاصله داریم. پشت علوم اجتماعی ایرانی دو مفهوم بنیادین قرار داشتند: یکی «امر ایران» یا امر ملی و دیگری «امر مدرن» یا معاصر شدن ایرانی. در ذیل این دو بود که «امر اجتماعی» نیز به میان آمد؛ برنامه جامعه‌شناسی ایرانی، این بود که در امر اجتماعی ایرانی، پژوهش علمی کند ایران وجود دارد، هرچند نه به‌صورت یک برنامه نیرومند بلکه در قالب یک «برنامه گاه ضعیف و گاه متوسط». در ایران نمی‌توان به روایت‌های شکست تن داد و گفت جامعه‌شناسی ایرانی اصلاً نداشته‌ام. اگر به سطح تجربی بیایم، جامعه‌شناسی ایرانی سر صحنه اجرا شده است: جامعه‌شناسانی در این سرزمین به عرصه آمده‌اند، آموزش داده‌اند، تحقیق کرده‌اند و آثار جامعه‌شناختی تولید کرده‌اند. به‌معنای انضمامی، جامعه‌شناسی در این سرزمین کار کرده است.»

نفوذ آشکار و پنهان ایدئولوژی

فراستخواه درباره تأثیر ایدئولوژی در جامعه‌شناسی ایران می‌گوید: «جامعه‌شناسی در ایران هیچ‌گاه عاری از نفوذ آشکار و پنهان ایدئولوژی نبوده است. ایدئولوژی به شکل «معرفی‌های موسمی» در آموزش‌ها و پژوهش‌ها نفوذ کرده است. ایدئولوژی نوعی آگاهی کاذب ولی نفوذ کننده، مدون اما بی‌پایه است؛ معرفی که صدایش بلند است و دعوی انجماد دارد و نسبت به جزئیات و شواهد حساس نیست، تمایل به دشمن‌سازی دارد و احساسات را برمی‌انگیزد. در نظام آموزشی ما نیز همین امر وجود داشته است؛ دانشجویان وحتى استادان گاه جذب این گفتارهای ایدئولوژیک می‌شدند. در آثار نویسندگان و سخنرانان برجسته ایرانی همچون آل‌احمد و شریعتی کم و بیش ادبیات ایدئولوژیک خلق و وارد فضای عمومی می‌شد. در همان دوره اما استاد صدیقی که در جای پدر آموزش جامعه‌شناسی بود در کلاس‌هایش می‌کوشید مرز میان جامعه‌شناسی علمی و گفتار ایدئولوژیک را حفظ کند هرچند ما دانشجویان آن دوره بیشتر تحت‌تأثیر ادبیات ایدئولوژیک بودیم تا آموزش‌های علمی که به نوعی آن‌ها را خشک احساس می‌کردیم. در ایران، صدای ایدئولوژی در رشته جامعه‌شناسی همیشه بلندتر بوده است، هنوز بخشی از ما زود به نتیجه می‌رسیم، با شواهد اندک حکم‌های بزرگ صادر می‌کنیم و این امر ریشه در جامعه توده‌وار دارد؛ جامعه‌ای که بیشتر از تحلیل، احساس می‌خواهد. نتیجه آن، گریز از عقلانیت و گرایش به گفتارهای عاطفی است. در نتیجه، جامعه‌شناسی ما گرفتار نوعی اغتشاش معرفتی می‌شد و این در آموزش، پژوهش، سیاست‌گذاری و مدیریت علمی ما انعکاس می‌یافت. با این حال نباید این مسئله موجب نفی کلی جامعه‌شناسی در ایران شود. در کنار همه ضعف‌ها جامعه‌شناسی ایرانی با سبک و سیاق علمی نیز وجود داشته است؛ با روش تحقیق استدلال و ارجاع دقیق به متون جهانی. هرچه میدان «خود-آیین» علمی در ایران و مبادلات خلاق سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نمادین در آن توسعه پیدا بکنند به تعبیر یوریو، «عادت‌واره‌های علمی» در چنین میدانی بسط می‌یابند. پس جامعه‌شناسی ایران هم از نظر ساختاری و نهادی با چالش روبه‌رو بوده و هم از نظر معرفتی. از یک‌سو، سلطه ساختارهای اداری و بروکراتیک مانع استقلال دانشگاه و علم شده است؛ از سوی دیگر، نفوذ ایدئولوژی و نبود میدان علمی مستقل مانع رشد عادت‌واره‌های انتقادی شده است. با این همه، جامعه‌شناسی ایران نیز همانند هر سنت علمی در حال توسعه است؛ میدانی زنده که باید خود را مدام بازنگری و بازسازی کند.»



عکاس مولف

یحیی دهقانپور از چهره‌های جریان ساز عکاسی درگذشت

یحیی دهقانپور، از شخصیت‌های جریان‌ساز و تأثیرگذار عکاسی ایران که نه تنها به عنوان یک عکاس خلاق بلکه به عنوان یک مدرس و نظریه‌پرداز برجسته شناخته می‌شد و عکس‌هایش از تشییع جنازه فروغ فرخزاد (۱۳۴۵) و تصاویری ماندگار از روزهای انقلاب به‌عنوان نمونه شاخصی از نگاه شخصی و نوپردازانه در عکاسی مستند مشهور شده، روز جمعه ۲۵ اردیبهشت در ۸۶ سالگی درگذشت. انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران در پیام تسلیتی کوتاه، درگذشت این هنرمند پیشکسوت را اطلاع‌رسانی کرد و نوشت: «انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران، درگذشت یحیی دهقانپور را به همکاران و بازماندگان ایشان تسلیت گفته و برای آن عزیز درگذشته از درگاه الهی طلب مغفرت می‌کند.»

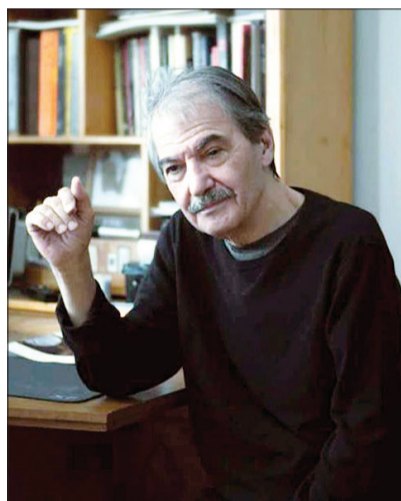
مسحور عکاس خانه‌های ناصر خسرو

یحیی دهقانپور که متولد ۱۱ دی ۱۳۱۹ بود، در دهه ۳۰ تحصیلات اول و دوم متوسطه خود را در دبیرستان علمیه تهران به پایان رساند سپس مقاطع بالاتر را در مدارس رهنما، خرد و... ادامه داد. او در مصاحبه‌هایش درباره چگونگی علاقه‌مند شدنش به عکاسی توضیح می‌دهد: «من در محله شمس‌العماره و ناصر خسرو بزرگ شدم. آن وقت‌ها آن‌جا پر از عکاس خانه بود؛ عکاس‌خانه‌های سنتی با آن دوربین‌های بزرگ هفده‌بسته و چهار چوبی و پارچه‌های سیاه. برای یک بچه ده دوازده ساله، دیدن آدم‌هایی که سرشان را می‌برند، زیر آن پارچه سیاه و بعد بکوه یک عکس ظاهر می‌شد، مثل جادوگری بود. من ساعت‌ها پشت و پتیر این عکاسخانه‌ها می‌ایستادم و به کارت‌پستال‌ها و عکس‌های رتوش‌شده نگاه می‌کردم. این اولین تصویرهای ثبت‌شده در ذهن من از عکاسی بود.»

او درباره خرید اولین دوربین زندگی‌اش هم می‌گوید:

«دبیرستان که بودم، آن قدر اصرار کردم تا پدرم بالاخره یک دوربین لوبیتل روسی برام خرید. یک دوربین چشمی ارزان قیمت بود که از بالا نگاهش می‌کردی. هیچ‌کس نبود که به من یاد بدهد چطور عکس بگیرم. خودم فیلم دوازده‌تایی می‌خریدم و می‌انداختم تویش و با حدس و گمان و به حدس آفتاب و سایه، دیافراگم و شاتر را تنظیم می‌کردم. از در و دیوار و بچه‌های محل عکس می‌گرفتم و بزرگ‌ترین هیجان زندگی‌ام این بود که فیلم را بدهم به مغازه عکاسی و منتظر بمانم تا ظاهر شود.»

عشق به عکاسی در دهقانپور این‌گونه شکل گرفت: «یک‌بار با یکی از دوستانم توی خانه‌مان تارک‌خانه درست کردیم. یک لامپ معمولی را برداشتم و دورش کاغذ سرخ پیچیدیم که نور قرمز بدهد. داروی ظهور و ثبوت را هم خریده بودیم و ریخته بودیم توی تشت‌های پلاستیکی کوچک. وقتی



گزارش: شبکه ایران

مرثیه‌ای برای نقد

نگاهی به دو برنامه تخصصی سینمایی و نمایشی پلتفرم «آن»

فرزانه متین

رسانه تصویری «آن» با شعار پر کردن خلأ برنامه‌های گفت‌وگومحور تخصصی، وارد فضای رسانه‌های ایران شد. در میان تمامی برنامه‌های تولیدشده، دو برنامه اصلی آن، «پلان» برنامه‌ای با موضوع سینما و «پلتفرم» به بررسی محصولات شبکه نمایش خانگی می‌پردازند. این دو برنامه در این پلتفرم قرار بود با وجود نمونه‌های نازل مشابه در صداوسیما به‌صورت طبیعی تبدیل به برنامه‌های متفاوتی می‌شدند که با خط قرمزها و بخش‌نامه‌هایی از جنس صداوسیما دست‌وپنجه نرم نکنند اما در یک سال گذشته بررسی این دو برنامه با حضور منتقدانی که از برنامه‌های صداوسیما بیرون آمده‌اند، نشان می‌دهد، ملغمه‌ای از بخش‌نامه‌ها و کج‌سلیقگی‌ها، این دو برنامه را در موقعیتی قرار داده که شاید از نمونه‌های تلو‌زیونی هم ضعیف‌تر باشند. تحلیل عمیق آثار، بررسی مسائل هر دو صنعت، سینما و شبکه نمایش خانگی پس از چند فصل، نه‌تنها به برنامه‌های تخصصی تبدیل نشدند بلکه با حضور دو مجری این برنامه‌ها، میثم فکری و میثم کریمی و با حضور چهره‌هایی تکراری، درون‌مایه و گفتارهای بیپه‌وده به نمایش‌های گفت‌وگومحور ضعیف، سطحی و میان‌مایه‌ای بدل شدند که بیشتر شبیه پنل‌های تبلیغاتی یا برنامه‌های تلو‌زیونی سطح پایین نازل هستند تا محتوای حرفه‌ای اینترنتی که مخاطب برای دیدنش زمان و پول صرف کند.

وعده اولیه و انحراف از مسیر تخصص

در ابتدای راه‌اندازی «آن‌مدیا» ادعا می‌شد، برنامه‌هایی متفاوت از رسانه‌های سنتی ارائه خواهد داد، تقدیمات ساختاری، بررسی‌های لایه‌های هنری-اجتماعی-سیاسی آثار و تحلیلی مستقل از اعمال نفوذ مؤلفان از این جمله بودند. اما خروجی این دو برنامه، نشان می‌دهد که مثل کلیشه‌های تلو‌زیونی، علاقه‌مندی به سازندگان در ادامه همان سیاست‌هایی است که پیش از این در برنامه‌های مشابه تلو‌زیونی دیده بودیم. «پلان» عمدتاً بر نقد فیلم‌های روز، جشنواره‌ها (به‌ویژه فجر)، گیشه و تحولات صنعت سینما متمرکز است و «پلتفرم» به موضوعات رسانه‌ای مرتبط به پلتفرم‌های نمایش خانگی، سریال‌ها و تفاوت‌های برنامه‌سازی در فضای مجازی می‌پردازد. این دو برنامه در ترکیب اولیه که اجرای‌شان را محمد قاسمی به‌عهده داشت از یک تنوع گفتمانی برخوردار بود اما در ادامه دور شدن از مباحث تخصصی سینمایی و افت کیفیت برنامه، محسوس شد. هر دو برنامه به سرعت تفکیک شدند و به مهمان‌محوری تلو‌زیونی روی

کاغذ عکاسی را گذاشتم توی داروی ظهور و دیدم که آرام‌آرام تصویر یک صورت روی کاغذ سفید لخت دارد شکل می‌گیرد و بالا می‌آید، برایم یک تکان روحی بزرگ بود. آن لحظه مثل یک معجزه بود و همان‌جا بند دلم به عکاسی گره خورد.»

دهقانپور بعدها به دانشگاه تهران راه یافت اما رشته‌ای که می‌خواند اگرچه در آثارش تبلور پیدا کرد اما به تهنایی راضی‌اش نمی‌کرد. خود در این باره تعریف می‌کند: «من در دانشگاه تهران، زبان و ادبیات فارسی خواندم. رشته‌ام را دوست داشتم اما آن کشش به تصویر که از ناصر خسرو در من شروع شده بود، رهایی نمی‌کرد. ادبیات به من یاد داد که چطور تصویر را در ذهن بسازم اما من می‌خواستم آن را ثبت کنم. همین شد که بعد از لیسانس، ادبیات را رها کردم و برای خواندن عکاسی و سینما از ایران رفتم. در واقع من به دنبال آن جادوی کودکی رفتم.»

یکی از مشهورترین مجموعه‌های او، عکاسی از مراسم خاک‌سپاری فروغ فرخزاد در سال ۱۳۴۵ است. او که در آن زمان جوانی ۲۶ ساله و شیفته ادبیات بود این واقعه را با نگاهی شاعرانه و مستند ثبت کرد. این عکس‌ها سال‌ها بعد در کتابی با عنوان «آن روز او را در باغچه کاشتند» منتشر شد که یکی از اسناد تصویری مهم تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود.

دهقانپور برای تحصیل در رشته عکاسی نخست به انگلستان (۱۳۵۴) سپس به آمریکا رفت. دوره کارشناسی عکاسی را در انستیتو هنر سنفرانسیسکو گذراند. در دوران تحصیل شاگرد اساتیدی چون جری برشارد، لیندا کاتر، انسل آدامز، دونین مایکلز، آلن سکولا بود. عکس‌های او در آمریکا با لحن طنزآمیز جنبه‌هایی از فرهنگ عمومی آمریکایی را نشان می‌دهند. بازگشت دهقانپور به ایران مقارن بود با تظاهرات مردمی ضد رژیم شاه. او با نگاهی

آوردند. به‌جای تیم متنوع تحلیلگران، دست به دامان منتقدانی شدند که در برنامه‌های تلو‌زیونی موفق به جلب‌نظر مخاطب نشده بودند. انگار قطاری از برنامه «هفت» این منتقدان را به ایستگاه تازه آورده باشد. «هفت» که شروع نسبتاً موفق و حیاتی پرفراز و نشیب داشته در آخرین آمارها براساس اعلام رسمی سایت تلویزیون، مخاطبی حدود ۸۰۰ تا ۱۴۰۰ نفر دارد. نتیجه این رویکرد، تبدیل برنامه به جلسات گپ‌وگفت معمولی بود که فاقد عمق هستند. در این دو برنامه به‌جای کاوش عمیق مسأله به شاهد بودن، خاطره‌گویی، ستایش‌های سطحی و گاهی دفاع غیرمستقیم از آثار تبدیل شد. به‌نظر مجریان این دو برنامه در این نوع نگرش که به سطحی شدن آثار انجامیده نقش داشته‌اند. آنها در این دو برنامه، اولویت را به جذب چهره‌های تکراری دادند و سرمایه‌گذاری روی ساختار تحلیلی و به‌تدریج این دو برنامه تبدیل به نسخه ضعیف‌تر نمونه‌های قبلی شدند، درحالی که از رسانه جدید اینترنتی، انتظار تولید برنامه‌های خلاقانه‌تر و تأثیرگذارتر می‌رود. با وجود



پلان

آن روی سینمای ایران

پلان با پ

گزارش: موسیقی جهان

یوروویژن در آتش

جایی که پرچمها آواز می خوانند

مسابقه‌ای که در آغاز با هدف تقویت همبستگی اروپایی و گسترش تبادل فرهنگی میان ملت‌ها شکل گرفت، امروز به میدان رویارویی بر سر حقوق بشر و مشروعیت سیاسی دولت‌ها تبدیل شده است. تحریم چند کشور اروپایی، تیتز نخست رسانه‌ها را به خود اختصاص داده و افکار عمومی را به شدت دوقطبی کرده است. در حالی که خوانندگان با لباس‌های پرزرق‌وبرق و مدل موهای اغراق‌آمیز همچنان بر این شعار تأکید می‌کنند که هنر باید از سیاست جدا بماند، واقعیت این است که مسابقه آواز یوروویژن بیش از هر زمان دیگری به صحنه‌ای برای منازعات سیاسی بدل شده است. اما این نخستین بار نیست که یوروویژن درگیر سیاست می‌شود. سال ۱۹۶۹ اتریش در اعتراض به دیکتاتوری اسپانیا از حضور در مسابقه‌ای که در مادرید برگزار می‌شد، خودداری کرد. اکنون بیش از ۵۰ سال بعد، تاریخ بار دیگر تکرار شده است. اسپانیا، هلند، ایرلند، اسلونی و ایسلند در اعتراض به حضور اسرائیل در مسابقه ۲۰۲۶ که در وین برگزار می‌شود از شرکت در این رقابت کناره‌گیری کرده‌اند.

اعضای آبا که در سال ۱۹۷۴ با ترانه «واترلو» برنده یوروویژن شدند، در یکی از مشهورترین مصرع‌های خود می‌خوانند: «کتاب تاریخ روی قفسه، همیشه در حال تکرار خویش است». این جمله امروز بیش از هر زمان دیگری برای یوروویژن مصداق دارد. ویلیام لی آدامز، نویسنده و گرداننده یکی از مهم‌ترین رسانه‌های مستقل مرتبط با این مسابقه معتقد است، اعتراض‌های امسال بزرگ‌ترین تحریم تاریخ یوروویژن است. به گفته او، بسیاری یوروویژن را صرفاً یک نمایش پر زرق‌وبرق و فاقد اهمیت سیاسی می‌دانند اما همین واکنش‌های گسترده نشان می‌دهد که این رویداد هنوز از وزن فرهنگی و سیاسی قابل توجهی برخوردار است. او تأکید می‌کند که اگر کشورها دیگر نخواهند در این مسابقه شرکت کنند، فلسفه وجودی یوروویژن که بر پایه نزدیکی ملت‌ها بنا شده بود، تضعیف خواهد شد.

هفتادمین سالگرد این مسابقه درحالی برگزار می‌شود که سایه جنگ غزه بر تمام برنامه‌ها سنگینی می‌کند. پدرو سانچز اعلام کرده است: «در برابر جنگ غیرقانونی و نسل‌کشی، سکوت جایز نیست». او تأکید کرد که اسپانیا با این باور که در سمت درست تاریخ ایستاده در مسابقه شرکت نخواهد کرد.

واکنش رسانه‌های ملی کشورهای تحریم‌کننده نیز معنادار است. شبکه دولتی اسپانیا به‌جای پخش یوروویژن، برنامه‌ای موسیقایی جایگزین پخش می‌کند. تلویزیون اسلونی مستندهایی درباره غزه روی آنتن می‌برد و شبکه ملی ایرلند قسمت معروفی از سریال «بدرتد» را بازپخش می‌کند که در آن دو کشیش با اجرای ترانه طنزآمیز «مای لاولی هورس» در مسابقه‌ای اروپایی شرکت می‌کنند و هیچ امتیازی به‌دست نمی‌آوردند.

در وین اما فضای چندان جشن‌گونه نیست. شعار رسمی یوروویژن «متحد با موسیقی» است اما تدابیر امنیتی به‌شدت افزایش یافته است. اسرائیل و حامیانش این تحریم‌ها را ناشی از یهودستیزی می‌دانند درحالی که معترضان معتقدند این مسابقه

در حال سفیدشویی فرهنگی خشونت علیه فلسطینیان است. در نیمه‌نهایی، هنگام اجرای نماینده اسرائیل، نوعام بتان، شعار «نسل‌کشی را متوقف کنید» در سالن شنیده شد. به باور کریس وست، نقطه‌عطف این بحران به سال ۲۰۲۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که اعتراض‌ها به حضور اسرائیل به اوج رسید و اتحادیه پخش اروپا، کنترل اوضاع را از دست داد. او معتقد است این نهاد هنوز نتوانسته اعتبار و اقتدار پیشین خود را بازسازی کند. اتحادیه پخش اروپا، متشکل از ۱۱۳ رسانه عمومی در ۵۶ کشور، از سال ۱۹۵۶ برگزارکننده این مسابقه است. نخستین دوره یوروویژن در لوگانو و با حضور تنها ۷ کشور برگزار شد. این رقابت در ابتدا هم آزمایشی برای فناوری پخش زنده فرامرزی بود و هم تلاشی آرمان‌گرایانه برای جلوگیری از تکرار فجایعی مانند جنگ جهانی دوم. به تعبیر کریس وست، یوروویژن از همان ابتدا با روحیه «هرگز دوباره» متولد شد. بنیانگذار سوئیس این مسابقه، مارسل بزینسون، از دوستان ژان مونه بود و هدف او نزدیک کردن ملت‌های اروپا از طریق رسانه و فرهنگ بود. با این حال سیاست خیلی زود وارد این عرصه شد. در سال ۱۹۶۴ یک فعال دانمارکی با بنری علیه فرانسسکو فرانکو و آنتونیو سالازار روی صحنه رفت. پس از پیروزی ماسیل در سال ۱۹۶۸ با ترانه «لا لا لا» و شکست کیلف ریچارد، اتریش سال بعد مسابقه مادرید را تحریم کرد.

دهه ۱۹۷۰ علاوه بر پیروزی‌های به‌یادماندنی آبا شاهد تحریم‌های متقابل میان یونان و ترکیه بود. در پرتغال نیز ترانه «ویس از خداحافظی» با صدای پائولو د کارالیو به عنوان رمز آغاز انقلاب میخک در سال ۱۹۷۴ استفاده شد. در دهه‌های بعد نیز یوروویژن بازتاب بحران‌های سیاسی باقی ماند. در دوران جنگ بوسنی، محمد فضل گیچ جان خود را به‌خطر انداخت تا از سربازان محاصره شده خارج شود و نماینده بوسنی و هرزگوین باشد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، کشورهای تازه استقلال یافته از این رقابت برای تثبیت هویت ملی خود بهره بردند. کشورهای عرب عضو اتحادیه پخش اروپا سال‌ها از پخش یا شرکت در یوروویژن خودداری کردند. اردن در سال ۱۹۷۸ هنگام اجرای نماینده اسرائیل تصویر گل‌ها را جایگزین پخش زنده کرد و زمانی که اسرائیل در آستانه پیروزی قرار گرفت، پخش را قطع و اعلام کرد که بلژیک برنده شده است.

با وجود همه این تنش‌ها، یوروویژن همچنان برای میلیون‌ها نفر جذابیت خود را حفظ کرده است. به گفته آدامز، در این مسابقه مردم فقط به یک خواننده رای نمی‌دهند بلکه به یک پرچم رای می‌دهند. همین ویژگی باعث می‌شود، کشورهای کوچک مانند مولداوی بتوانند در برابر قدرت‌هایی چون بریتانیا قرار گیرند و حتی پیروز شوند. کریس وست معتقد است که با وجود همه تحریم‌ها، اعتراض‌ها و جدال‌ها، یوروویژن هنوز بخشی از تجربه فرهنگی اروپاست؛ رویدادی که هم‌زمان جشن موسیقی، صحنه رقابت ملی و آینه‌ای از تنش‌های سیاسی قاره به‌شمار می‌آید. به گفته او، این مسابقه همچنان «بخشی کوچک اما مهم از اروپایی بودن» است.



عکس دهقانپور از احمد شاملو در روز تشییع جنازه فرغ فرخزاد

ساختارگرا و تجربه‌گرا

بسیاری از اساتید امروز دانشکده‌های هنر و عکاسان نامدار معاصر، روزگاری شاگرد دهقان‌پور بوده‌اند. او با دانش به‌روز و تسلط بر جریان‌های مدرن عکاسی غرب توانست دیدگاه‌های جدیدی را وارد فضای آموزشی ایران کند. او را «پدر معنوی» آموزش عکاسی در دهه‌های اخیر می‌دانند که توانسته بود میان تکنیک و نگاه روشن‌فکرانه پیوندی عمیق برقرار کند. دهقان‌پور، عکاسی را صرفاً ثبت یک تصویر نمی‌دید بلکه آن را «کشف و بیان هسته اصلی واقعیات از طریق نور در بخشی از زمان» تعریف می‌کرد. او معتقد بود، عکاس باید مانند یک نویسنده یا جامعه‌شناس با هوشیاری کامل لحظات فانی را به ثبت برساند. مقدمه‌های او بر کتاب‌های عکاسی از جمله کتاب مشهور «پنج نگاه به خاک» از متون تئوریک ارزشمند در این حوزه است. دهقان‌پور از آن دسته هنرمندانی بود که معتقد بود، دوربین در دست عکاس مانند «تفنگ» است؛ ابزاری برای انتخاب دقیق و هدفمند از میان هزاران سوژه تا در نهایت اثری خلق شود که فراتر از یک ثبت ساده، دارای لایه‌های عمیق فکری و انسانی باشد. ویژگی‌های هنری یحیی دهقان‌پور را باید در پیوند میان ادبیات، نگاه ساختارگرا و تجربه‌گرایی مداوم او جست‌وجو کرد. او عکاسی نبود که تنها به ثبت واقعیت

تیزبین جنبه‌های غالباً ناآشکار از رویداد انقلاب (۱۳۵۷) را به تصویر کشید. بخشی از این عکس‌ها با عنوان «او بدین‌سان شهیداد فرو ریخت» در انجمن فرهنگی ایران و فرانسه به نمایش گذاشته شد. در سال‌های پس‌انقلاب در دانشکده صداوسیما، دانشگاه تهران، دانشگاه هنر، دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس پرداخت. او در مقام مدرس ضمن آشنا کردن دانشجویان با گرایش‌های مختلف عکاسی جهان، آنان را به جست‌وجوی زبانی نو در عکاسی ترغیب می‌کند. یحیی دهقان‌پور در کتاب «پنج نگاه به خاک» (۱۳۶۱) - همراه بهمن جلالی، کریم امامی، مهدی خوانساری و مهسید فرهنگ - در قالب عکاسی مستند، نگاهی نو و شخصی را به سوره‌هایی از فرهنگ ایرانی نشان داد. در دهه ۱۳۷۰ مجموعه‌های «کوه‌پایه‌ها»، «حمل و نقل» و «پل» را با همکاری شهرداری تهران پدید آورد. در این مجموعه‌ها زوایای فرهنگ اوقات فراغت و نیز نسبت فضای شهری با رفتار شهری را کاوید. در دهه ۱۳۸۰ با استفاده از روش چینش موزاییکی، مونتاز و به کارگیری خلافتانه دوربین پانوراما در ارائه چشم‌اندازی نو در عکاسی کوشید. رویکرد نوگرایانه و کنایه‌آمیز در مستندنگاری خردفرهنگ‌های جامعه ایرانی و آزمایش‌گری مستمر در شیوه‌های کنش عکاسی از ویژگی‌های بارز آثار دهقان‌پور بود.

محگری محور بودن هر دو برنامه، می‌توان گفت که مجریان در یک سال گذشته نتوانستند فضای برای نقد واقعی ایجاد کنند و صرفاً یکی، دو برنامه از مجموعه «پلتفرم» و «پلان» جنجالی و وایرال شد. در سیر این دو برنامه، حوزه نقد پویا و جذابیت اولیه کمرنگ شد و علاوه بر ضعف محتوایی به‌نظر می‌رسد، بخش‌نامه‌های نامحسوس درونی و بیرونی! در تغییر رویکرد این دو برنامه تأثیر گذاشته است.

سطحی شدن نقد به شکل میتدل

یکی از جنبه‌های ضعیف «پلتفرم»، حضور منتقد ثابت این برنامه است. نقدهای منتقد ثابت این برنامه، اغلب به شکلی سطحی و قابل پیش‌بینی ارائه می‌شود. منتقد ثابت برنامه «پلتفرم» به‌جای شکستن لایه‌های هنری، سیاسی، اجتماعی یا ایدئولوژیک آثار، با استدلال‌های ساده و مثال‌های غیردقیق، دائماً توصیف‌های تکراری، ستایش‌های کلی از بازیگری و گفتمانی شبیه آنچه در برنامه‌های قبلی هم دیده بودیم را به‌نمایش می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای یک منتقد در برنامه‌ای گفت‌وگو محور، ایجاد «تش تحلیلی» است؛ یعنی طرح پرسش‌های دقیق به چالش کشیدن مهمان و باز کردن لایه‌های پنهان اثر است. اما در «پلتفرم» منتقد ثابت این برنامه، اغلب در نقش تسهیل‌گر یک گفت‌وگوی نرم و بی‌چالش ظاهر می‌شود. او به‌جای آنکه گفت‌وگو را به سمت نقد هدایت کند، بیشتر همراه جریان کلی برنامه حرکت می‌کند؛ جریانی که از ابتدا تمایل دارد به سمت محافظه‌کاری و پرهیز از نقد جدی برود. نتیجه این است که حضور او نهایتاً تعادل ایجاد نمی‌کند بلکه به تثبیت همین فضای خنثی کمک می‌کند. حتی وقتی نقد تندی مطرح می‌شود، اغلب بدون پیگیری عمیق و در چارچوب گفت‌وگوی مهمان‌محور می‌شود. این امر باعث شده مخاطب جدی شبکه نمایش خانگی احساس کند، برنامه به‌جای ارتقای سطح نقد به افول آن کمک کرده است.

نظرات شبکه‌های اجتماعی: بازتاب گسترده نارضایتی

بررسی کامنت‌ها و پست‌ها در اینستاگرام، آپارات، یوتیوب و سایر پلتفرم‌ها، نشان‌دهنده نارضایتی قابل توجه مخاطبان است. بسیاری از کاربران این برنامه‌ها را «تکراری»، «کم‌عمق»، «تبلیغاتی» و «فاقد تخصص واقعی» توصیف می‌کنند. کامنت‌های رایج شامل عباراتی مانند: «دیگه نقد واقعی نمی‌بینیم، فقط حرف زدن دور میز با مهمان»، «با این مجری‌ها تخصص کجا بود؟»، «قادری همون حرف‌های همیشگی رو تکرار می‌کنه» یا «انتظار تحلیل عمیق داشتیم، شد یک چت معمولی» است. در فصل‌های اخیر و پوشش جشنواره فجر این انتقادات شدت گرفت. کاربران اشاره می‌کنند که برنامه‌ها به‌جای بررسی عمیق آثار و مسائل صنعت، بیشتر به پوشش زنده و جذب بازدید لحظه‌ای بسنده کرده‌اند. برخی مخاطبان قدیمی که به‌دنبال تحلیل‌های شفاف و به‌روز هستند، در کامنت‌های درج شده به‌شدت نارضاض هستند و این نقدها، اغلب درباره منتقد ثابت برنامه «پلتفرم» نوشته می‌شود. کامنت‌هایی مانند «افول سطح منتقد‌های کشور»، نشان‌دهنده ناامیدی عمیق است. عدم ثبات در گفتمان تیم تحلیلی، نبود منتقدان با رویکرد مشخص و جسور، زمینه سطحی‌شدن این برنامه‌ها را افزایش داده است. محدودیت‌های محتوایی و خودسانسوری، اجتناب از نقدهای رادیکال و در حاشیه امن ماندن، منجر به تکرار، خستگی و از دست رفتن اعتبار این دو برنامه شده است. رقابت نادرست، تلاش برای رقابت با محتوای سریع و سرگرم‌کننده اینستاگرامی به‌جای سرمایه‌گذاری روی محتوای تخصصی عمیق و بلندمدت. سبک مدیریت اجرایی کارگردانی و مجریان که اصرار دارند، ساختار اغلب رویکردی محافظه‌کارانه و مهمان‌محور داشته باشد عملاً این برنامه را از مدار یک برنامه تخصصی جدی خارج کرده است. در رسانه‌های سینمایی معتبر جهان، برنامه‌های تحلیلی با تیم منتقدان جسور، تمرکز روی موضوعات خاص و عمق بالا ساخته می‌شوند. اما در «پلان» و «پلتفرم» حتی وقتی موضوعات خوبی انتخاب می‌شود (مانند برنامه‌سازی در پلتفرم‌ها یا سینمای اجتماعی) بحث به سرعت به سطح مهمانان و نظرات شخصی پایین می‌آید و ناامیدی را دوچندان می‌کند.

مهمانان سینمایی «پلان» اغلب افرادی هستند که دوره طلایی کاری خود را پشت سر گذاشته‌اند و مؤلفان شبکه نمایش خانگی به‌نظر می‌رسند، درحالی که این برنامه حضور پیدا می‌کنند که با محصولات ضعیف آنان با مهربانی رفتار شود و به‌نظر این فضا‌سازی برعهده منتقد برنامه است. در این دو برنامه، در حوزه سینما بیشتر به دفاع از تصمیمات مدیران سینمایی توجه می‌شود و توجیه ضعف‌های آثار ارگانی یا حمایت از آثار خاص در دستور کار دو برنامه قرار دارد. در «پلان» مشکلات ساختاری سینما عادی‌سازی می‌شود. مسأله‌ای که در پوشش جشنواره فجر به اوج رسید و به‌جای تحلیل دقیق فیلم‌ها، برنامه اغلب به مصاحبه‌های کوتاه و پل‌های شلوغ بسنده کرد. واقعیت این است که مخاطبان به‌جای شنیدن نقد و گفت‌وگوی حرفه‌ای شاهد تبلیغ غیرمستقیم آثار یا اجتناب از انتقادات صریح بودند. مجریان برنامه نیز جزئی از این فضا شدند و به‌جای به چالش کشیدن مهمانان و هدایت به سمت بحث‌های عمیق، اغلب فضا را به سمت گفت‌وگوهای دوستانه و ایمن می‌برند.

آفت اصلی و تبدیل به نمایش میان‌مایه شدن

مهمانان سینمایی «پلان» اغلب افرادی هستند که دوره طلایی کاری خود را پشت سر گذاشته‌اند و مؤلفان شبکه نمایش خانگی به‌نظر می‌رسند، درحالی که این برنامه حضور پیدا می‌کنند که با محصولات ضعیف آنان با مهربانی رفتار شود و به‌نظر این فضا‌سازی برعهده منتقد برنامه است. در این دو برنامه، در حوزه سینما بیشتر به دفاع از تصمیمات مدیران سینمایی توجه می‌شود و توجیه ضعف‌های آثار ارگانی یا حمایت از آثار خاص در دستور کار دو برنامه قرار دارد. در «پلان» مشکلات ساختاری سینما عادی‌سازی می‌شود. مسأله‌ای که در پوشش جشنواره فجر به اوج رسید و به‌جای تحلیل دقیق فیلم‌ها، برنامه اغلب به مصاحبه‌های کوتاه و پل‌های شلوغ بسنده کرد. واقعیت این است که مخاطبان به‌جای شنیدن نقد و گفت‌وگوی حرفه‌ای شاهد تبلیغ غیرمستقیم آثار یا اجتناب از انتقادات صریح بودند. مجریان برنامه نیز جزئی از این فضا شدند و به‌جای به چالش کشیدن مهمانان و هدایت به سمت بحث‌های عمیق، اغلب فضا را به سمت گفت‌وگوهای دوستانه و ایمن می‌برند.



پلان با ابوالفضل پورعرب

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

استهلاک و دیگر هیج

جنگ با موجودی سرمایه اقتصاد ایران چه کرد؟

طاهر ارشد
<div>تحلیلگر اقتصاد</div>

اقتصاد ایران پیش از دو جنگ تحمیلی سال ۱۴۰۴ با یکی از جدی‌ترین چالش‌های خود یعنی منفی شدن موجودی سرمایه روبرو بود. بحرانی که به‌نظر می‌رسد پس از جنگ، ابعاد آن عمیق‌تر و نگران‌کننده‌تر شده است. در شرایطی که رشد اقتصادی پایدار بدون افزایش سرمایه‌گذاری ممکن نیست هرگونه آسیب به زیرساخت‌ها، ماشین‌آلات، تأسیسات و شبکه‌های تولیدی می‌تواند توان اقتصاد برای تولید و اشتغال را محدودتر کند.

موجودی سرمایه در علم اقتصاد به مجموع ارزش ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها، ماشین‌آلات، تجهیزات و تأسیساتی گفته می‌شود که در فرآیند تولید کالا و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرند. کارخانه‌ها، نیروگاه‌ها، جاده‌ها، پالایشگاه‌ها، تجهیزات صنعتی و حتی بخشی از زیرساخت‌های شهری همگی جزئی از موجودی سرمایه یک کشور به‌شمار می‌روند. این موجودی در واقع ستون فقرات تولید و رشد اقتصادی است. زیرا بدون وجود سرمایه فیزیکی امکان افزایش ظرفیت تولید وجود ندارد. اقتصاددانان معمولاً معتقدند نسبت موجودی سرمایه به تولید ناخالص داخلی در بلندمدت برای هر کشور کم‌وبیش ثابت باقی می‌ماند. به همین دلیل، رشد اقتصادی پایدار نیازمند رشد هم‌زمان موجودی سرمایه است. به بیان ساده اگر کشوری بخواهد تولید بیشتری داشته باشد باید سرمایه بیشتری نیز در اختیار داشته باشد. از سوی دیگر هرچه موجودی سرمایه بزرگ‌تر می‌شود، حفظ و گسترش آن نیز به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ‌تری نیاز پیدا می‌کند. مشکل اقتصاد ایران اینجاست که طی سال‌های گذشته، سرمایه‌گذاری جدید حتی نتوانسته است، استهلاک سرمایه‌های موجود را جبران کند. بسیاری از گزارش‌های اقتصادی نشان می‌دهد از دهه ۱۳۹۰ به این سو روند تشکیل سرمایه ثابت در کشور نزولی بوده و در برخی سال‌ها، خالص سرمایه‌گذاری حتی منفی هم شده است. به این معنا که سرعت فرسوده شدن ماشین‌آلات، تجهیزات و زیرساخت‌ها از سرعت جایگزینی و نوسازی آنها بیشتر بوده است. در چنین شرایطی، وقوع جنگ که تخریب گسترده ماشین‌آلات و صنایع را به‌نبال داشته، وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. اقتصاددانان می‌گویند، جنگ تنها به‌معنای افزایش هزینه‌های نظامی نیست؛ بلکه نااطمینانی گسترده‌ای ایجاد می‌کند که سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، پروژه‌های توسعه‌ای را متوقف می‌کند و منابع مالی دولت را به سمت هزینه‌های اضطراری سوق می‌دهد. افزون بر این آسیب احتمالی به زیرساخت‌ها، صنایع، شبکه انرژی، حمل‌ونقل و تأسیسات تولیدی می‌تواند مستقیماً موجودی سرمایه کشور را کوچک‌تر کند. یکی دیگر از پیامدهای مهم جنگ، تشدید فرار سرمایه و کاهش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت است. سرمایه‌گذار زمانی وارد پروژه‌های صنعتی و تولیدی می‌شود که بتواند، آینده را تا حدی پیش‌بینی کند. اما در فضای جنگی، ریسک اقتصادی افزایش می‌یابد و بسیاری از فعالان اقتصادی ترجیح می‌دهند، منابع خود را به دارایی‌های نقدشوندتر یا بازارهای کم‌ریسک‌تر منتقل کنند. نتیجه چنین وضعیتی، کاهش بیشتر سرمایه‌گذاری مولد است. هم‌زمان تخریب‌ها و محدودیت‌های تجاری نیز دسترسی اقتصاد ایران به فناوری، ماشین‌آلات و منابع مالی خارجی را دشوارتر کرده‌اند. در نتیجه حتی در صورت وجود تقاضا برای نوسازی صنایع، تأمین تجهیزات و سرمایه مورد نیاز با موانع متعددی مواجه است.

این موضوع به‌ویژه در صنایعی مانند نفت، گاز، پتروشیمی، برق و حمل‌ونقل اهمیت دارد؛ بخش‌هایی که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عظیم و فناوری‌های پیشرفته هستند. فرسایش موجودی سرمایه پیامدهایی فراتر از کاهش رشد اقتصادی دارد. کاهش بهره‌وری، افست توان رقابت صنایع، افزایش هزینه تولید، قطعی انرژی، فرسودگی زیرساخت‌ها و کاهش کیفیت خدمات عمومی همگی از نتایج تضعیف سرمایه فیزیکی کشور هستند. در بلندمدت این روند می‌تواند، ظرفیت اشتغالزایی اقتصاد را محدود کرده و سطح رفاه خانوارها را کاهش دهد. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد بازسازی موجودی سرمایه پس از جنگ، فرآیندی زمانبر و پرهزینه است. کشورهایی که توانسته‌اند پس از بحران به رشد بازگردند معمولاً از طریق جذب سرمایه‌گذاری، ثبات اقتصادی، کاهش نااطمینانی و ادغام دوباره در اقتصاد جهانی مسیر احیای سرمایه را طی کرده‌اند. بدون چنین شرایطی، فرسایش سرمایه می‌تواند به تله‌ای بلندمدت برای اقتصاد تبدیل شود. به عقیده اقتصاددانان برای جلوگیری از کاهش موجودی سرمایه، اقتصاد نیازمند افزایش سرمایه‌گذاری و جبران استهلاک زیرساخت‌ها و تجهیزات است. این هدف بدون ثبات اقتصادی، کاهش نااطمینانی، کنترل تورم و بهبود فضای کسب‌وکار محقق نمی‌شود. همچنین جذب سرمایه داخلی و خارجی، نوسازی صنایع، دسترسی به فناوری و هدایت منابع مالی به سمت تولید از مهم‌ترین راه‌های حفظ و تقویت موجودی سرمایه در اقتصاد به‌شمار می‌روند. اکنون پرسش اصلی این است که اقتصاد ایران چگونه می‌تواند روند فرسایش موجودی سرمایه را متوقف کند؟ آیا منابع مالی، ثبات اقتصادی و فضای لازم برای احیای سرمایه‌گذاری وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها تعیین خواهد کرد که اقتصاد ایران در سال‌های آینده، توان بازگشت به رشد پایدار را خواهد داشت یا نه.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

گره خورده با جهان

چرا هژمونی دلار تضعیف نمی‌شود؟

مهتا معرفت
<div>متروجم</div>

سال‌هاست بسیاری تصور می‌کنند، راز سلطه دلار بر اقتصاد جهان در یک توافق ساده نهفته است. نفت با دلار فروخته می‌شود، پس دلار هم پادشاه ارزهای جهان مانده است. اما واقعیت پیچیده‌تر از این روایت مشهور است. حتی اگر فردا کشورهای نفتی خلیج‌فارس یوآن یا یورو را جایگزین دلار کنند باز هم ستون‌های اصلی قدرت دلار پابرجا خواهند ماند. چون هژمونی دلار بیش از آنکه بر نفت استوار باشد بر شبکه عظیم و پنهانی از بانک‌ها، بدهی‌ها و یورودلارها بنا شده که اقتصاد جهانی را به این ارز گره زده است. شما هم احتمالاً بارها شنیده‌اید که جایگاه برتر دلار در جهان یک دلیل مشخص دارد و آن هم توافق تاریخی آمریکا با کشورهای نفتی خلیج‌فارس برای قیمت‌گذاری نفت بر پایه دلار است. بر همین اساس برخی تصور می‌کنند اگر کشورهای عربی روزی دلار را کنار بگذارند و مثلاً به سراغ یوآن بروند، هژمونی دلار نیز فرو خواهد ریخت. اما فایننشال‌تایمز در مقاله‌ای جالب توضیح می‌دهد که ماجرا به این سادگی نیست. حتی سهم بالای دلار در ذخایر ارزی کشورها نیز به‌تنهایی توضیح‌دهنده قدرت این ارز نیست. جایگاه کنونی دلار بیش از آنکه صرفاً به قدرت دولت آمریکا وابسته باشد به عاملی مهم‌تر متکی است: «سیستم یورودلار». اما یورودلار چیست؟

یورودلار به دلارهایی گفته می‌شود که خارج از مرزهای آمریکا جریان دارند. دلارهایی که فدرال رزرو کنترل مستقیمی بر آنها ندارد. در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از دلارهای جهان که معادل تقریبی ۱۴ تریلیون دلار است، خارج از آمریکا نگهداری می‌شود. بانک‌های سراسر جهان در عمل خودشان دلار خلق می‌کنند، به مشتریان وام دلاری می‌دهند و پرداخت‌ها را تسویه می‌کنند. البته در تسویه نهایی همچنان پای آمریکا به میان می‌آید اما این شبکه را باید تا حد زیادی «غیردولتی» و «غیرمتمرکز» دانست. طنز تاریخ اینجاست که یکی از انگیزه‌های اولیه شکل‌گیری بازار یورودلار، نگرانی دولت شوروی بود؛ شوروی ترجیح می‌داد، دارایی‌های دلاری خود را خارج از سیستم بانکی آمریکا نگهداری کند. در کنار این موضوع، عادت و اثر شبکه‌ای نیز نقش مهمی دارند. دلار عملاً زبان مشترک تجارت جهانی شده است. بازرگانان برای سهولت مبادلات و کاهش ریسک، ترجیح می‌دهند قراردادهای خود را بر مبنای دلار تنظیم کنند. اثر شبکه‌ای

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

فشار به طلا

چرا مقاومت‌ها درهم شکست؟

نسرین خدادادی
<div>گروه اقتصاد</div>

بازار جهانی طلا هفته‌ای پرنوسان و عمدتاً نزولی را پشت سر گذاشت. هفته‌ای که در آن افزایش تورم آمریکا، رشد بازده اوراق قرضه و تقویت دلار، فشار سنگینی بر فلز زرد وارد کرد. قیمت هر اونس طلا پس از ثبت اوج هفتگی نزدیک ۴۷۷۰ دلار در پایان هفته تا محدوده ۴۵۵۰ دلار عقب نشست. با وجود ادامه تنش‌های ژئوپلیتیکی و نگرانی‌ها درباره جنگ ایران تحلیلگران معتقدند، بازار فعلاً بیشتر تحت‌تأثیر داده‌های اقتصادی آمریکا و انتظارات مربوط به سیاست پولی فدرال رزرو قرار دارد. در ابتدای هفته بازار طلا با موجی از خوش‌بینی آغاز شد و حتی در معاملات دوشنبه تا محدوده ۴۷۶۸ دلار نیز پیش رفت. اما این روند دوام چندانی نداشت. انتشار داده‌های تورمی آمریکا به سرعت نگاه معامله‌گران را تغییر داد. شاخص قیمت مصرف‌کننده آمریکا (CPI) در ماه آوریل ۰.۶ درصد افزایش یافت و رشد سالانه آن به ۳.۸ درصد رسید. این داده‌ها

یعنی وقتی اکثریت فعالان اقتصادی از یک استاندارد استفاده می‌کنند، دیگران نیز برای هماهنگی و کاهش هزینه‌ها همان مسیر را ادامه می‌دهند. از سوی دیگر، اوراق خزانه آمریکا همچنان امن‌ترین دارایی مالی جهان محسوب می‌شوند و تریلیون‌ها دلار بدهی در سراسر جهان وجود دارد که باید با دلار بازپرداخت شود. بنابراین تقاضا برای دلار همواره پابرجاست؛ حتی اگر روزی نفت دیگر با دلار قیمت‌گذاری نشود. در نتیجه، برخلاف تصور رایج، هژمونی دلار صرفاً با تغییر واحد قیمت‌گذاری نفت از بین نمی‌رود. دلار امروز به‌نوعی «سیستم‌عامل» بانکداری و تجارت جهانی تبدیل شده؛ شبکه‌ای گسترده و عمیق که جایگزینی آن بسیار دشوار است، اگر نگویم ناممکن. فایننشال‌تایمز در ادامه همین بحث به نکته مهم دیگری هم اشاره می‌کند: بسیاری از تحلیل‌ها درباره «پایان دلار» بیش از حد دولت‌محور هستند.

منتقدان هژمونی دلار معمولاً روی تصمیم دولت‌ها تمرکز می‌کنند؛ مثلاً اینکه چین و روسیه بخشی از تجارت دوجانبه خود را با ارزهای محلی انجام می‌دهند یا برخی کشورها تلاش دارند، وابستگی خود به دلار را کاهش دهند. اما ستون فقرات واقعی سلطه دلار نه صرفاً دولت‌ها بلکه شبکه عظیم بانک‌ها، مؤسسات مالی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های چندملیتی است. به بیان دیگر، قدرت دلار بیشتر از آنکه سیاسی باشد، زیرساختی است. همان‌طور که اینترنت صرفاً به یک دولت خاص تعلق ندارد اما همه به استفاده از آن وابسته‌اند، دلار هم به زیرساخت اصلی مبادلات مالی جهان تبدیل شده است. فایننشال‌تایمز توضیح می‌دهد که این شبکه طی چند دهه چنان عمیق و پیچیده شده که کنار گذاشتن آن هزینه‌های سنگینی برای بازیگران اقتصادی دارد. برای مثال فرض کنید یک شرکت برزیلی بخواهد از کره‌جنوبی کالا وارد کند. حتی اگر هیچ‌کدام از دو کشور آمریکایی نباشند، احتمال زیادی وجود دارد که معامله همچنان بر پایه دلار انجام شود.

چرا؟ چون بازارهای دلاری عمیق‌تر، نقدشونده‌تر و قابل پیش‌بینی‌ترند. همچنین تأمین مالی دلاری، بیمه حمل‌ونقل، قراردادهای مشتقه و سیستم‌های تسویه بین‌المللی عمدتاً بر مدار دلار می‌چرخند. نکته مهم دیگری که فایننشال‌تایمز روی آن تأکید می‌کند، تفاوت میان «ارز ذخیره» و «ارز تأمین مالی» است. بسیاری تصور می‌کنند چون سهم دلار در ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی طی دو دهه اخیر اندکی کاهش یافته پس قدرت آن نیز رو به افول است. اما مقاله توضیح می‌دهد که نقش واقعی دلار بیشتر در حوزه وام‌دهی، بدهی و بانکداری جهانی دیده می‌شود تا صرفاً ذخایر ارزی. در عمل، شرکت‌ها و بانک‌های سراسر جهان برای دریافت

اعتبار، انتشار اوراق قرضه یا پوشش ریسک مالی به دلار وابسته‌اند. به همین دلیل هر بار که بحران جهانی رخ می‌دهد، برخلاف انتظار، تقاضا برای دلار افزایش پیدا می‌کند. این همان پدیده‌ای است که در بحران مالی ۲۰۰۸ و حتی در دوران همه‌گیری کرونا مشاهده شد؛ زمانی که سرمایه‌گذاران از سراسر جهان به سمت دارایی‌های دلاری و اوراق خزانه آمریکا هجوم بردند. فایننشال‌تایمز حتی به نکته‌ای متناقض هم اشاره می‌کند. بسیاری از کشورهایی که از سلطه دلار انتقاد می‌کنند، خودشان در عمل به این سیستم وابسته‌تر می‌شوند. زیرا تجارت جهانی، بازار سرمایه و نظام بانکی هنوز جایگزین کاملی برای شبکه دلاری ندارند. یورو اگرچه دومین ارز مهم جهان است اما بازار بدهی یکپارچه و عمق مالی آمریکا را ندارد. یوآن چین نیز با وجود رشد اقتصادی یکن هنوز تحت کنترل شدید دولت چین قرار دارد و آزادی کامل جابه‌جایی سرمایه در آن وجود ندارد؛ موضوعی که اعتماد جهانی را محدود می‌کند.

به همین دلیل حتی اگر چین موفق شود، بخشی از تجارت نفت خود را با یوآن انجام دهد این مسأله الزاماً به‌معنای پایان سلطه دلار نیست. برای جایگزینی واقعی دلار، تنها داشتن حجم بالای تجارت کافی نیست؛ بلکه باید شبکه‌ای جهانی از بانک‌ها، بازارهای بدهسی، دارایی‌های امن، نظام حقوقی قابل اعتماد و جریان آزاد سرمایه وجود داشته باشد. چیزی که آمریکا طی دهه‌ها ساخته است. البته این به‌معنای شکست‌ناپذیری دلار هم نیست. فایننشال‌تایمز هشدار می‌دهد که استفاده بیش از حد آمریکا از تحریم‌های مالی ممکن است در بلندمدت انگیزه کشورها برای یافتن جایگزین را افزایش دهد. مسدود کردن ذخایر ارزی روسیه پس از جنگ اوکراین بسیاری از دولت‌ها را نگران کرد که شاید وابستگی بیش از حد به دلار، آنها را در برابر فشار سیاسی آمریکا آسیب‌پذیر کند. با این حال حتی در چنین شرایطی نیز خروج از مدار دلار آسان نیست. اقتصاد جهانی طی ۸۰ سال گذشته بر پایه این ارز سازمان‌دهی شده و تغییر چنین ساختاری شبیه تعویض موتور هواپیما در میانه پرواز است. در نهایت، مقاله فایننشال‌تایمز به این جمع‌بندی می‌رسد که هژمونی دلار بیش از آنکه حاصل یک توافق نفتی یا تصمیم سیاسی باشد، نتیجه شکل‌گیری یک اکوسیستم عظیم مالی است؛ اکوسیستمی که از بانکداری خصوصی، بازار بدهی، تجارت جهانی و عادت‌های رفتاری فعالان اقتصادی تغذیه می‌کند. بنابراین سقوط ناگهانی دلار که گاهی در تحلیل‌های سیاسی مطرح می‌شود، دست‌کم در آینده نزدیک چندان محتمل به‌نظر نمی‌رسد.

افزایش خواهد یافت. برخی تحلیلگران معتقدند، سطح ۴۵۰۰ دلار اکنون به مهم‌ترین حمایت کوتاهمدت بازار تبدیل شده است. مارک چندلر، مدیرعامل Bannockburn Global Fo-۱۶x، هشدار داده شکست این سطح می‌تواند، راه را برای افت بیشتر تا محدوده ۴۳۵۰ دلار باز کند. الکس کوپتسیکوویچ، تحلیلگر FXPro نیز معتقد است، مقاومت سنگینی در محدوده ۴۷۰۰ دلار شکل گرفته و تا زمانی که این مقاومت شکسته نشود، فشار نزولی بر بازار ادامه خواهد داشت. در مقابل، گروهی دیگر از تحلیلگران همچنان نسبت به آینده بلندمدت طلا خوش‌بین هستند. آنها معتقدند خرید مداوم بانک‌های مرکزی جهان، نگرانی‌های ژئوپلیتیکی و تداوم تورم جهانی می‌تواند دوباره سرمایه‌گذاران را به سمت بازار طلا بازگرداند. دارین نیوزوم، تحلیلگر ارشد Barchart گفته است، فروش سنگین پایان هفته شاید بخش بزرگی از فشار فروش سفته‌بازانه را تخلیه کرده باشد و بازار در صورت تغییر شرایط می‌تواند یک جهش کوتاهمدت را تجربه کند. در کنار تحولات اقتصادی جنگ ایران و تنش‌های خاورمیانه همچنان یکی از متغیرهای مهم بازار باقی مانده است. افزایش قیمت نفت و نگرانی‌ها درباره اختلال در عرضه انرژی، انتظارات تورمی را تشدید کرده و همین موضوع بازار اوراق قرضه و سیاست پولی آمریکا را تحت‌تأثیر قرار داده است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند تا زمانی که وضعیت ژئوپلیتیکی و مسیر نرخ بهره آمریکا روشن‌تر نشود، بازار طلا همچنان با نوسانات شدید مواجه خواهد بود.



رسانه یا پادگان؟

حضور چندین مجری اسلحه به دست این پرسش را به وجود آورد که در صداوسیما چه می گذرد؟

مدیران سازمان صداوسیما به سوالات سازندگی پاسخ ندادند

گروه اجتماعی: رویکرد جناحی صداوسیما در سال‌های اخیر، موضوع تازه‌ای برای تحلیلگران رسانه و فعالان سیاسی نیست؛ اما آنچه در روزهای گذشته روی آنتن زنده رسانه به اصطلاح ملی رخ داد، فراتر از خط‌مشی‌های معمول جناحی، زنگ خطری جدی را برای امنیت روانی جامعه و تصویر بین‌المللی کشور به صدا درآورده است. پخش زنده آموزش کار با اسلحه کلاشینکف و نحوه شلیک با آن توسط یکی از مربیان نیروهای مسلح در شبکه افق و در پی آن شلیک مجری برنامه در استودیو به سمت پرچم یک کشور همسایه، افکار عمومی را در بهت و حیرت فرو برده است. این اقدام بی‌سابقه آن هم در سه برنامه مختلف که طی آن مجریان صداوسیما دست به اسلحه شدند، و یتربنی عریان از نفوذ تفکری است که رسانه را نه ابزاری برای دیپلماسی، تفاهم و آرامش بلکه ابزاری برای بازتولید خشونت و تدروری می‌داند. سازندگی برای بررسی ابعاد این اقدام غیرمتعارف و تحلیل چرایی صدور مجوز برای چنین برنامه‌های تشن‌زایی، تلاش کرد تا با مدیران و تصمیم‌گیران سازمان صداوسیما گفت‌وگو کند. با این حال، پیگیری‌های متعدد تحریریه تا لحظه نگارش این گزارش بی‌نتیجه ماند و مسئولان جام‌جم حاضر به پاسخگویی و تبیین منطق پشت این برنامه‌سازی‌ها نشدند.

محیط زیست

نشت نفت؟

مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی درباره تأثیر آلودگی‌های نفتی بر زیست خلیج فارس می‌گوید



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

ویدئویی که گفته می‌شود مربوط به ۲۱ فروردین ماه امسال است این روزها دوباره در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود؛ تصاویری از جزیره مارو (شیدور) در خلیج فارس که سواحل سفید و آب‌های شفافش حالا زیر لایه‌ای از نفت، دود و لاشه آبریان مدفون شده است. راوی فیلم با صدایی آمیخته به ناباوری و اندوه درحالی که دوربین روی لکه‌های نفتی و شعله‌های آتش می‌چرخد، می‌گوید: «دریا پر از نفت شده... جزیره زیبای مارو به فنا رفت...»؛ روایتی عریان از بحرانی که حالا ابعاد آن فراتر از یک حادثه محلی توصیف می‌شود. جزیره مارو که به «مالدیو ایران» شهرت دارد، یکی از حساس‌ترین زیستگاه‌های دریایی خلیج فارس به‌شمار می‌رود؛ منطقه‌ای حفاظت‌شده با تنوع کم‌نظیر پرندگان مهاجر، لاک‌پشت‌های دریایی و آبریان ساحلی. اما تصاویر منتشرشده نشان می‌دهد، سواحل این جزیره اکنون پوشیده از نفت است و ده‌ها خرچنگ، حلزون دریایی، لاک‌پشت و پرندگان دریایی در میان آلودگی گرفتار یا تلف شده‌اند. در بخشی از فیلم، لاشه یک لاک‌پشت دریایی روی ساحل دیده می‌شود و دلفین‌هایی که برای تفس به سطح آب آمده‌اند، در میان لکه‌های نفتی شنا می‌کنند؛ تصویری که نگرانی‌ها درباره گسترش دامنه آلودگی در آب‌های جنوبی ایران را تشدید کرده است. این بحران در شرایطی رخ می‌دهد که حدود ۴۰ روز از آتش‌سوزی جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران می‌گذرد؛ جنگی که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد و ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ ادامه داشت. طی هفته‌های جنگ، بارها گزارش‌هایی از هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های انرژی، اختلال در صادرات نفت و تراکم نفتکش‌ها در آب‌های خلیج فارس منتشر شد. هم‌زمان، تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های بین‌المللی از شکل‌گیری لکه‌های نفتی در اطراف خارک، لاوان، قشم و تنگه هرمز خبر دادند. خبرگزاری رویترز به نقل از تحلیلگران محیط‌زیست گزارش داده بود که آلودگی ایجاد شده می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین نشت‌های نفتی خلیج فارس در سال‌های اخیر باشد. برنامه اروپایی «کوپرنیکوس» نیز در تصاویر ماهواره‌ای خود از لکه‌های عظیم در نزدیکی جزیره خارک پرده برداشت؛ منطقه‌ای که بخش عمده صادرات نفت ایران از آن انجام می‌شود. برخی کارشناسان احتمال داده‌اند که فشار ناشی از محاصره نفتی، پر بودن مخازن ذخیره و اختلال در انتقال نفت در تشدید این آلودگی نقش داشته باشد؛ هرچند مقام‌های رسمی ایران تاکنون نشت نفت از تأسیسات داخلی را تأیید نکرده‌اند. در کنار خسارت‌های زیست‌محیطی، بحران فعلی، معیشت بومیان جنوب را نیز هدف گرفته است. صیادان محلی از کاهش شدید صید، آلودگی سواحل و رکود گردشگری می‌گویند؛ بحرانی که با نظامی شدن منطقه و محدودیت‌های ناشی از جنگ، پیچیده‌تر شده



قابی در انحصار چهره‌های تکراری

نگاهی به کلیت برنامه‌های صداوسیما از زمان آغاز تنش‌ها و تحولات اخیر، نشان می‌دهد که این سازمان عملاً به تریبون انحصاری یک جریان سیاسی تندرو تبدیل شده است. از شبکه یک گرفته تا شبکه خبر و افق، و ویژه‌نامه‌های متعددی مانند «جریان»، «خط مقاومت» و «جنگ تحمیلی سوم» روی آنتن می‌روند که قرار است، تحلیل و روایت صحیحی از مسائل پیرامون کشور ارائه دهند. اما دشواری اصلی این برنامه‌ها در چیدمان میز مباحثه و انتخاب کارشناسان است؛ جایی که رسانه ملی به شکلی آشکار، قافیه را باخته است. چرخش مداوم میان چند مهمان تکراری و ثابت نظیر ابراهیم رضایی، علی خضریان، مالک شریعتی، فواد ایزدی، مصطفی خوش چشم، سعید جلیلی و دیگر هم‌فکران‌شان، شائبه

مهندسی شدید مهمانان را به یقین تبدیل کرده است. حضور پر تعداد نمایندگان مجلس و چهره‌های وابسته به اقلیت تندرو این پیام را به جامعه مخابره می‌کند که در قاب جام‌جم، جایی برای تکرار آرا، رویکردهای واقع‌بینانه و کارشناسان مستقل وجود ندارد. صداوسیما به‌جای بهره‌گیری از نخبگان حوزه روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی برای آرامش‌بخشی به افکار عمومی، تریبون خود را به کسانی سپرده که با ادبیاتی دون شأن رسانه، تنها به قطبی‌سازی جامعه دامن می‌زنند.

ضرورت بازسازی اعتماد ملی در بن‌بست جناح‌گرایی

یک رسانه تراز ملی در شرایط حساس کنونی باید به‌عنوان مهم‌ترین پل ارتباطی میان مردم و حاکمیت در مسیر حفظ انسجام ملی و بازسازی اعتماد عمومی حرکت کند. صداوسیما در مقاطعی کوتاه مانند ایام انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ نشان داد که توانایی دعوت از طیف‌های منتقد و متمایز را دارد. اما روندی که امروز به‌ویژه در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» کنونی مشاهده می‌شود، بازگشت به رفتارهای انقباضی و افراطی است. وقتی مجریان روی آنتن زنده به رفتارهای جنجال‌ساز دست می‌زنند، چهره‌های محبوب ملی را تمسخر می‌کنند و در نهایت تفنگ به‌دست می‌گیرند، رسانه عملاً از کارکرد اصلی خود تهی می‌شود. تضاد آشکار میان شعارهای وحدت‌آفرین صداوسیما و خروجی تدروانه برنامه‌هایش، شکاف میان مردم و این سازمان را عمیق‌تر از گذشته کرده است. در روزگاری که کشور به همبستگی و خردگرایی نیاز مبرم دارد، اصرار بر رفتارهای شب‌نظامی در استودیوهای تلویزیونی حاصلی جز فرسایش روان جامعه و تضعیف جایگاه ملی این نهاد نخواهد داشت. صداوسیما باید انتخاب کند: تریبونی برای کل ملت، یا خانه‌ای امن برای رفتارهای هزیه‌ساز افراطیون؟

روزشمار قطعی اینترنت



۷۹ روز از آغاز محدودیت‌های گسترده اینترنت در ایران می‌گذرد؛ محدودیت‌هایی که از نهم اسفند ۱۴۰۴ همزمان با آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران کلید خورد و با وجود برقراری آتش‌سوزی ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ هنوز به وضعیت عادی بازنگشته است. حالا درحالی که دولت از «گشایش اینترنت بین‌الملل» سخن می‌گوید، بازار سیاه «اینترنت پرو» و اینترنت طبقاتی، روایت دیگری از وضعیت دسترسی دیجیتال در ایران را به نمایش گذاشته است؛ روایتی که فعالان اقتصاد دیجیتال آن را نشانه‌ای از تعمیق تبعیض و بی‌ثباتی در زیست آنلاین مردم می‌دانند. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در تازه‌ترین موضع‌گیری رسمی تأکید کرده که دولت «قابل به اینترنت مبتنی بر طبقه‌بندی سحلی یا نابرابری نیست» و اینترنت را «بخشی از زیست روزمره، کار، آموزش و زندگی مردم» می‌داند. او توضیح داده، آنچه با عنوان «اینترنت پرو» شناخته می‌شود، در اصل «راهکاری اضطراری» برای حفظ حداقل کارکرد اقتصاد دیجیتال در شرایط جنگی و تهدیدات سایبری بوده و قرار نیست به یک ساختار دائمی تبدیل شود. مهاجرانی همچنین از مأموریت محمدرضا عارف برای ساماندهی سیاست‌گذاری فضای مجازی خبر داده و گفته دولت به‌دنبال «دسترسی پایدار، کاهش محدودیت‌ها و ایجاد توازن میان امنیت سایبری و حقوق شهروندی» است.

هم‌زمان یاسا حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت نیز تأکید کرده «سیاست دولت، گشایش اینترنت بین‌الملل است». او با اشاره به مخالفت‌ها در شورای عالی فضای مجازی گفته، مسعود پزشکیان از ابتداء رفع فیلترینگ را جزو وعده‌های اصلی خود می‌داند و بارها تأکید کرده بود وقتی «۸۰ درصد مردم از فیلترشکن استفاده می‌کنند، فیلترینگ چه معنایی دارد؟» حضرتی همچنین از برنامه دولت برای رفع تدریجی محدودیت‌ها در هفته‌های آینده سخن گفته است. اما در سطح جامعه، واقعیت اینترنت چیز دیگری است. رضا الفت‌نسب، رئیس اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی، وضعیت اقتصاد دیجیتال کشور را «شبه شوخی» توصیف کرده و گفته کسب‌وکارهای اینترنتی روی «زمینی سست» بنا شده‌اند. این انتقادها در شرایطی مطرح می‌شود که محدودیت‌های طولانی‌مدت، بسیاری از کسب‌وکارهای آنلاین، فریلنسرها، فروشگاه‌های اینترنتی و فعالان تولید محتوا را با بحران جدی روبه‌رو کرده است.

پناهگاه حیات‌وحش همچنین یک تالاب بین‌المللی مواجه هستند که ارزش حفاظتی بسیار بالایی دارد. پیرامون این جزایر عمدتاً زیستگاه‌های مرجانی قرار گرفته و اینها زیستگاه‌های بسیار حساسی محسوب می‌شوند. هم سواحل جزیره و هم مناطق تخم‌گذاری، دو زیستگاه بسیار حساس در این منطقه هستند. در جزیره لاوان هم در بخش‌هایی از پیرامونش دارای زیستگاه‌های مرجانی است. من شخصاً روی بسیاری از این جزایر، از جمله همین منطقه، کار کرده‌ام. البته این زیستگاه‌ها، گستردگی کامل ندارند و در بسیاری نقاط آسیب دیده یا از بین رفته‌اند اما همچنان به‌صورت پراکنده و لکه‌ای در اطراف جزیره لاوان وجود دارند. به گفته مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی، این منطقه به‌دلیل وجود همین زیستگاه‌های حساس، منطقه‌ای بسیار آسیب‌پذیر محسوب می‌شود و آلودگی نفتی‌ای که به هر صورت به این نواحی رسیده، خسارات زیادی وارد کرده است. این خسارات هم بر آبریان تأثیر می‌گذارد، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت و هم بر زندگی صیادان؛ چراکه معیشت آنها مستقیماً به این زیست‌بوم وابسته است و طبیعتاً نسبت به وضعیت منطقه نگرانی دارند. او توضیح می‌دهد که: در جزیره خارک هم وضعیت مشابه است و پیرامون آن نیز زیستگاه‌های مرجانی وجود دارد که بسیار آسیب‌پذیر هستند و از بالاترین تنوع زیستی برخوردارند. در این مناطق چیزی حدود ۲۵ درصد گونه‌های مختلف ماهیان و آبریان، به‌ویژه گونه‌های مرتبط با ذخایر شیلاتی، حضور دارند. بنابراین زیستگاه‌های مرجانی نقش بسیار مهمی در تولید آبریان و حفظ تنوع زیستی ایفا می‌کنند و هرگونه تخریب یا آلودگی، اثر مستقیمی بر این چرخه خواهد داشت. تخریب این زیستگاه‌ها مستقیماً آبریانی که در این مناطق حضور دارند را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بخش قابل‌توجهی از آبریان، به‌ویژه ماهیان تجاری، در همین زیستگاه‌های مرجانی تخریب می‌کنند یا این مناطق، محل تغذیه آنهاست؛ به همین دلیل هم میزان تولید زیستی در این نواحی بالاست.

ارزیابی خسارت

در نهایت به گفته صدیقی: اما چیزی که مسلم است، این است که این زیستگاه‌ها آسیب دیده‌اند. برای مثال منطقه خوران که یکی از بزرگ‌ترین زیستگاه‌های جنگل‌های حرای ماست و در محدوده میان سواحل بندرعباس و قشم قرار دارد، با مناطق حرا در بندرخمیر از جمله مناطقی هستند که بخشی از آلودگی نفتی به سواحل آنها رسیده است. طول خطوط ساحلی آلوده شده توسط کارشناسان استان ثبت و مشخص شده و برنامه‌هایی هم برای ارزیابی خسارت در حال انجام است. نفتی که به ساحل می‌رسد بعد از چند روز خشک شده و به توده‌ها یا گلوله‌های قیری تبدیل می‌شود. در آن مرحله پاک‌سازی و جمع‌آوری آلودگی نفتی بسیار دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد شد و در بسیاری موارد امکان پاک‌سازی کامل عملاً وجود ندارد.

است. حالا جزیره مارو، که زمانی نماد طبیعت بکر خلیج فارس بود، به تصویری از شکنندگی محیط‌زیست در میانه جنگ، تحریم و بحران انرژی تبدیل شده؛ جایی که هنوز مشخص نیست، هزینه نهایی این آلودگی را چه کسی و چگونه خواهد پرداخت.

تخلیه از تأسیسات نفتی نداشتیم

امید صدیقی، مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی سازمان محیط‌زیست در گفت‌وگو با «سازندگی» اعلام کرد که طبق اظهارات رئیس سازمان محیط‌زیست از تأسیسات نفتی تخلیه صورت نگرفته و توضیحات لازم ارائه شد. اما درباره خارک و لاوان، گزارش‌هایی می‌آید مبنی بر اینکه آلودگی‌هایی به‌وجود آمده و تصاویر هم دیده می‌شود اما اینکه دقیقاً چه میزان آلودگی ایجاد شده، منشأ آن چه بوده و در اثر چه نوع حمله‌ای به‌وجود آمده واقعاً در حوزه صلاحیت من نیست. او ادامه می‌دهد: به‌طور کلی در اثر این حملات- و حتی فارغ از این حملات، هر زمان که آلودگی نفتی رخ دهد- اگر این آلودگی به ساحل برسد، خسارات آن بسیار بیشتر می‌شود. همان‌طور که می‌دانید، نفتی که وارد دریا می‌شود، به‌ویژه نفت‌خام، بسته به‌نوع آن آثار متفاوتی دارد؛ اگر نفت سنگین باشد طبیعتاً خسارت بیشتری ایجاد می‌کند. به گفته این مقام مسئول؛ به‌طور کلی بخشی از نفت در اثر تابش و تشعشعات خورشیدی تبخیر می‌شود اما بخش سنگین‌تر آن که عمدتاً هیدروکربن‌های سنگین یا همان ترکیبات آروماتیک هستند اگر جمع‌آوری نشوند، رسوب کرده و به بستر دریا می‌روند. اینکه چه میزان بتوان عملیات جمع‌آوری و مقابله با آلودگی نفتی را در دریا انجام داد بسیار تعیین‌کننده است. گسترش لکه نفتی هم تابع عوامل مختلفی است؛ از جمله وضعیت دریا، اینکه متلاطم باشد یا آرام همچنین جریان‌های دریایی، جهت باد و سرعت گسترش لکه نفتی. او اضافه می‌کند: در گذشته هم در چنین حوادثی طبق قانون مصوب سال ۸۹ مسئولیت مقابله با آلودگی نفتی برعهده سازمان بنادر و دریانوردی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان شیلات همچنین دستگاه‌های نظامی از جمله ارتش و سپاه بوده که به‌عنوان نهادهای همکار عمل می‌کردند. اتفاقاتی هم که اخیراً در منطقه لاوان، خارک و دیگر سواحل ما رخ داده از همین جنس است. این آلودگی نفتی اگر به ساحل برسد، باز هم بستگی دارد که وارد چه زیستگاه‌هایی شود. اگر با زیستگاه‌های حساس و آسیب‌پذیر مواجه باشیم مانند زیستگاه‌های مرجانی، جنگل‌های حرا، بسترهای غلغی یا مناطق تخم‌گذاری لاک‌پشت‌ها طبیعتاً خسارت بسیار بیشتر خواهد بود.

نابودی زیستگاه‌های مرجانی لاوان

صدیقی توضیح می‌دهد که: در منطقه لاوان و شیدور- همان‌طور که می‌دانید جزیره شیدور در کنار جزیره لاوان قرار دارد- ما با یک

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقلتی

مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

ترمیم زخم کهنه

چرا تأمین سرمایه در گردش مهم است؟

نسرین خدادادی

خبرنگار سازندگی

سرمایه در گردش یکی از مهم‌ترین نیازهای بنگاه‌های اقتصادی است زیرا ادامه فعالیت روزمره شرکت‌ها به وجود نقدینگی کافی برای پرداخت هزینه‌ها، خرید مواد اولیه، پرداخت دستمزد و انجام تعهدات کوتاه‌مدت وابسته است. در واقع سرمایه در گردش نشان می‌دهد یک بنگاه تا چه اندازه توانایی مدیریت جریان نقدی و انجام تعهدات جاری خود را دارد. اگر شرکت نتواند سرمایه در گردش مورد نیاز خود را تأمین کند حتی در صورت سوده بودن نیز ممکن است با بحران نقدینگی و توقف فعالیت روبرو شود. سرمایه در گردش از دو زاویه قابل بررسی است. از دید ترانزنامه‌ای، تفاوت میان دارایی‌های جاری و بدهی‌های جاری بنگاه را نشان می‌دهد و از دید عملیاتی، ابزاری برای حفظ جریان تولید و فروش محسوب می‌شود. بنگاه‌هایی که نتوانند حساب‌های دریافتی و پرداختی خود را به‌درستی مدیریت کنند امکان ایجاد نقدینگی بیشتر و تأمین مالی پروژه‌های جدید را خواهند داشت. اما در صورتی که وصول مطالبات طولانی شود یا هزینه‌های جاری افزایش یابد، شرکت با کمبود نقدینگی مواجه خواهد شد. در اقتصادهای پیشرفته، نظام تأمین سرمایه در گردش معمولاً بر پایه رابطه نزدیک میان بنگاه و نهاد تأمین‌کننده مالی شکل می‌گیرد. بانک‌ها یا مؤسسات مالی به‌صورت مستمر وضعیت مالی شرکت، موجودی کالا و حساب‌های دریافتی آن را بررسی می‌کنند و متناسب با شرایط بنگاه، سقف اعتباری در اختیار آن قرار می‌دهند. این شیوه باعث می‌شود، تأمین مالی انعطاف‌پذیرتر باشد و بنگاه بتواند در دوره‌های افزایش تقاضا یا رشد فعالیت اقتصادی، نقدینگی مورد نیاز خود را سریع‌تر تأمین کند. یکی از مزیت‌های مهم این نوع تأمین مالی، کاهش فشار بر بنگاه‌ها در دوره‌های رکود یا نوسان اقتصادی است. در صنایعی که تقاضا فصلی است یا بنگاه‌ها در مرحله رشد قرار دارند، دسترسی به سرمایه در گردش امکان حفظ سطح تولید و جلوگیری از توقف فعالیت را فراهم می‌کند. همچنین انعطاف در زمان بازپرداخت وام‌ها می‌تواند، احتمال نکول و ناتوانی در بازپرداخت بدهی را کاهش دهد. با این حال، نظام تأمین سرمایه در گردش در ایران با مشکلات متعددی مواجه است. شیوه رایج تأمین مالی در ایران بیشتر بر وثیقه‌محوری و وام‌دهی سنتی استوار است و ابزارهای مدرن تأمین مالی کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بسیاری از بنگاه‌ها، به‌ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط، به دلیل نداشتن وثیقه کافی یا ضعف در اعتبارسنجی، امکان دسترسی مناسب به منابع مالی را ندارند. علاوه بر این، بانک‌ها نیز به دلیل محدودیت منابع، مطالبات معوق و ریسک‌های اقتصادی، تمایل کمتری به اعطای تسهیلات جدید دارند. یکی از مشکلات اصلی اقتصاد ایران، نبود نظام جامع اعتبارسنجی است. در بسیاری از کشورهای سابقه اعتباری شرکت‌ها و مشتریان نقش مهمی در اعطای تسهیلات دارد اما در ایران هنوز اطلاعات مالی و اعتباری بنگاه‌ها به‌صورت کامل و شفاف در دسترس نیست. همین موضوع باعث شده، بانک‌ها بیشتر به وثیقه‌های فیزیکی وابسته باشند و بنگاه‌های تولیدی برای دریافت تسهیلات با دشواری روبرو شوند. از سوی دیگر، توسعه نیافتن بازار سرمایه نیز یکی از موانع تأمین سرمایه در گردش محسوب می‌شود. در بسیاری از اقتصادها، شرکت‌ها علاوه بر بانک‌ها از طریق انتشار اوراق بدهی، اوراق تجاری یا ابزارهای مالی کوتاه‌مدت منابع مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند. اما در ایران سهم بازار سرمایه در دوش تأمین مالی تولید هنوز محدود است و فشار اصلی بر دوش نظام بانکی قرار دارد. کارشناسان معتقدند، بهبود وضعیت سرمایه در گردش در ایران نیازمند اصلاحات همزمان در چند حوزه است: از جمله افزایش کارایی نظام بانکی، توسعه ابزارهای مالی جدید، تقویت بازار سرمایه و بهبود مدیریت مالی بنگاه‌ها. همچنین ایجاد نظام اعتبارسنجی کارآمد، توسعه بیمه‌های اعتباری و راه‌اندازی شرکت‌های تخصصی مدیریت ریسک می‌تواند، دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی را آسان‌تر کند. تأمین سرمایه در گردش تنها یک موضوع بانکی نیست بلکه بخشی مهم از سیاست‌گذاری اقتصادی و صنعتی کشور محسوب می‌شود. بدون وجود نظام کارآمد تأمین مالی، بنگاه‌ها توان ادامه فعالیت و سرمایه‌گذاری نخواهند داشت و در نتیجه رشد اقتصادی، اشتغال و تولید نیز آسیب خواهد دید. به همین دلیل، اصلاح نظام تأمین سرمایه در گردش می‌تواند یکی از پیش‌شرط‌های اصلی رونق بازسازی و نوسازی صنایع جنگ‌زده و بهبود فضای کسب‌وکار در اقتصاد ایران باشد.

انتظار از انتظارات تورمی

چرا مردم انتظار دارند، تورم افزایش پیدا کند؟

فریده اسکندری

خبرنگار سازندگی

تورم یکی از بیماری‌های پرهزینه‌ای است که خیلی از کشورها در دوره‌هایی با آن روبرو شده‌اند و خسارت‌های زیادی هم به‌بار آورده اما تقریباً همه کشورها به راه‌حلی برای آن دست یافته‌اند. افزایش مداوم قیمت‌ها نه تنها قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد بلکه بر تصمیم‌های مصرفی مردم، سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و حتی ثبات اقتصادی و اجتماعی کشورها نیز اثر می‌گذارد. به همین دلیل بانک‌های مرکزی همواره تلاش می‌کنند، نرخ تورم را در سطحی پایین قابل پیش‌بینی و باثبات نگه دارند. با این حال تجربه سال‌های اخیر نشان داده که مهار تورم تنها به ابزارهایی مانند افزایش نرخ بهره یا کنترل نقدینگی وابسته نیست بلکه انتظارات مردم درباره آینده قیمت‌ها نیز نقشی تعیین‌کننده در این میان دارد. انتظارات تورمی هم به این معناست که مردم تصور می‌کنند، قیمت‌ها در آینده چگونه تغییر خواهد کرد. این موضوع اهمیت زیادی دارد زیرا رفتار اقتصادی افراد فقط بر اساس شرایط امروز شکل نمی‌گیرد بلکه برداشت آنها از آینده نیز بر تصمیم‌هایشان اثر می‌گذارد. اگر مردم انتظار داشته باشند قیمت‌ها در آینده افزایش یابد، رفتار اقتصادی خود را تغییر می‌دهند و همین تغییر رفتار می‌تواند به افزایش واقعی تورم منجر شود. برای مثال کارگران و کارمندان زمانی که انتظار تورم بالاتر را دارند، خواستار افزایش دستمزد می‌شوند تا قدرت خرید خود را حفظ کنند. در مقابل، بنگاه‌ها نیز برای جبران افزایش هزینه‌های تولید و دستمزد، قیمت کالاها و خدمات خود را بالا می‌برند. همچنین اگر خانوارها تصور کنند قیمت کالاهایی مانند مواد غذایی، خودرو یا لوازم خانگی در آینده بیشتر خواهد شد، ممکن است خریدهای خود را زودتر انجام دهند. این افزایش تقاضا در کوتاه‌مدت می‌تواند به رشد بیشتر قیمت‌ها دامن بزند و تورم را تشدید کند. در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از همه‌گیری کووید ۱۹ اهمیت انتظارات تورمی

بیش از گذشته آشکار شد. اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی، افزایش قیمت انرژی و تنش‌های سیاسی و ژئوپلیتیک باعث شد، نرخ تورم در بسیاری از کشورها به‌طور قابل‌توجهی افزایش یابد. با این حال بسیاری از اقتصاددانان معتقدند، شدت و ماندگاری این تورم فقط نتیجه شوک‌های اقتصادی نبود بلکه واکنش مردم و بنگاه‌ها به این تحولات نیز نقش مهمی در آن داشت. زمانی که مردم احساس می‌کنند تورم در حال افزایش است، توجه آنها به قیمت‌ها بیشتر می‌شود. آنها اخبار اقتصادی را با دقت بیشتری دنبال می‌کنند و سریع‌تر انتظارات خود را تغییر می‌دهند.



در همین زمینه، اقتصاددانان از مفهومی بنام «بی‌توجهی انتخابی» یاد می‌کنند. منظور این است که مردم همیشه به یک اندازه نسبت به تورم حساس نیستند. زمانی که تورم پایین و باثبات باشد بسیاری از افراد توجه چندانی به تغییرات قیمت‌ها ندارند. اما وقتی قیمت کالاهای ضروری مانند مواد غذایی، اجاره مسکن یا انرژی به‌سرعت افزایش پیدا می‌کند، توجه عمومی به تورم به‌شدت بیشتر می‌شود و نگرانی‌های اقتصادی

گسترش می‌یابد. به همین دلیل، بانک‌های مرکزی علاوه بر استفاده از ابزارهای پولی تلاش می‌کنند، اعتماد عمومی را نیز حفظ کنند. اگر مردم باور داشته باشند که سیاست‌گذاران توانایی کنترل تورم را دارند، احتمال آنکه انتظارات تورمی از کنترل خارج شود، کمتر خواهد بود. به بیان دیگر، اعتماد عمومی می‌تواند به ثبات اقتصادی کمک کند و از تبدیل شدن نگرانی‌ها به موج جدید تورم جلوگیری کند. در اقتصاد امروز، مدیریت انتظارات تورمی به یکی از مهم‌ترین وظایف بانک‌های مرکزی تبدیل شده است. سیاست‌گذاران پولی می‌دانند که موفقیت در کنترل تورم فقط به تصمیم‌های اقتصادی وابسته نیست بلکه به نحوه شکل‌گیری انتظارات مردم و میزان اعتماد آنها به سیاست‌های اقتصادی نیز بستگی دارد.

به هر حال، تورم در ایران به یکی از مزمن‌ترین مشکلات اقتصادی تبدیل شده است؛ مشکلی که برخلاف بسیاری از کشورهای، نه تنها در دوره‌های کوتاه‌مدت بلکه طی چند دهه ادامه داشته است. دلیل اصلی این موضوع را باید در مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، سیاستی و سیاسی جست‌وجو کرد که باعث شده، اقتصاد ایران همواره در معرض رشد مداوم قیمت‌ها قرار بگیرد. یکی از مهم‌ترین دلایل، کسری بودجه مزمن دولت است. در بسیاری از سال‌ها، هزینه‌های دولت بیشتر از درآمدهای آن بوده و بخش قابل‌توجهی از این کسری از طریق استقراض از بانک مرکزی یا شبکه بانکی جبران شده است. نتیجه این روند، افزایش حجم نقدینگی و رشد پایه پولی بوده که به‌طور مستقیم به تورم منجر شده است. تا زمانی که دولت نتواند میان درآمدها و هزینه‌های خود تعادل ایجاد کند، فشار تورمی ادامه خواهد داشت. عامل مهم دیگر، وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی است. اقتصاد نفتی باعث شده، دولت‌ها در دوره‌های افزایش درآمد نفت، هزینه‌های خود را گسترش دهند و در زمان کاهش درآمدها با بحران بودجه مواجه شوند. این نوسان‌های شدید، ثبات اقتصادی را از بین برده و زمینه‌ساز تورم شده است. علاوه بر این، تحریم‌های اقتصادی نیز دسترسی کشور به منابع ارزی را محدود کرده و باعث کاهش درآمدهای دولت و افزایش فشار بر بازار ارز شده است.

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

شناسه آگهی ۲۱۷۸۰۱۱
نوبت دوم

تجدید فراخوان مناقسه عمومی
همزمان با ارزیابی کیفی (یک مرحله‌ای)

FR-CO-37/00

شرکت گاز استان کرمانشاه در نظر دارد مناقسه عمومی به شماره ۲۰۰۴۰۱۳۲۹۰۰۰۹۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت تجدید نماید. موضوع مناقسه: حفاری و احداث چاه ایستگاه حفاظت کاتدیک مرکز استان (جعفرآباد). شماره مناقسه: ۲۰۰۵۰۱۳۲۹۰۰۰۰۹

شرکت‌های متقاضی دارای گواهی نامه صلاحیت پیمانکاری در رشته های تاسیسات و تجهیزات و ابنیه توانمن می توانند در صورت داشتن ظرفیت مجاز کاری، کلیه مراحل برگزاری مناقسه اعم از دریافت اسناد مناقسه تا ارائه پیشنهاد مناقسه گران و بازگشایی پاکت ها را از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سناد) پیگیری نمایند.

لازم است مناقسه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقسه محقق سازند.

بر آورد صورت گرفته جهت انجام پروژه: ۲۷.۵۸۷.۳۸۹.۴۷۴ ریال. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷

روابط عمومی شرکت گاز استان کرمانشاه

شناسه آگهی ۲۱۷۷۳۸۹
نوبت دوم

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقسه عمومی شماره ۱۴۰۵/ج ش/۲۶
مربوط به خرید کواد کوپتر صنعتی با تجهیزات جانبی
در خواست شماره: ۱۴۰۲۰۱۰۱۳

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقسه عمومی به شماره ۲۰۰۵۰۹۲۶۶۰۰۰۰۷۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد اعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقسه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سناد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقسه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقسه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد در بازه زمانی تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۳ الی ۱۴۰۵/۰۲/۲۴ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقسه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقسه گران ارسال خواهد تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷

ش.د.حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۵ امتیاز می باشد. شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان در مناقصات و عرضه کالاها دانش بنیان ساخت داخل دستگاه های اجرایی حائز اولویت می باشند. مهلت دریافت اسناد اعلام ارزیابی کیفی: تاریخ: ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ مهلت ارسال پاسخ اعلام ارزیابی کیفی: روز شنبه تاریخ: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶ اطلاعات تماس دستگاه مناقسه‌گزار: آدرس: گچساران - فلکه الله - شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران - تلفن: ۳۲۲۲۴۴۱۱ - ۳۱۹۲۲۱۱۸ - ۰۷۴ مرکز تماس سامانه ستاد: ۰۲۱-۴۱۹۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ - ۰۲۱

شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران